



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



(فارسی)

السید صدرالدین الطباطبائی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شرح دعاء ندبه

نویسنده:

صدرالدین محمد الطباطبائی

ناشر چاپی:

موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	شرح دعاء ندبه
۹	مشخصات کتاب
۹	صفحه ۰۰۱
۹	صفحه ۰۰۲
۹	صفحه ۰۰۳
۱۰	صفحه ۰۰۴
۱۰	صفحه ۰۰۵
۱۱	صفحه ۰۰۶
۱۱	صفحه ۰۰۷
۱۱	صفحه ۰۰۸
۱۲	صفحه ۰۰۹
۱۲	صفحه ۰۱۰
۱۲	صفحه ۰۱۱
۱۳	صفحه ۰۱۲
۱۳	صفحه ۰۱۳
۱۳	صفحه ۰۱۴
۱۴	صفحه ۰۱۵
۱۴	صفحه ۰۱۶
۱۴	صفحه ۰۱۷
۱۵	صفحه ۰۱۸
۱۵	صفحه ۰۱۹
۱۶	صفحه ۰۲۰

۱۶	صفحه ۰۲۱
۱۷	صفحه ۰۲۲
۱۷	صفحه ۰۲۳
۱۷	صفحه ۰۲۴
۱۸	صفحه ۰۲۵
۱۸	صفحه ۰۲۶
۱۹	صفحه ۰۲۷
۲۰	صفحه ۰۲۸
۲۰	صفحه ۰۲۹
۲۰	صفحه ۰۳۰
۲۱	صفحه ۰۳۱
۲۱	صفحه ۰۳۲
۲۲	صفحه ۰۳۳
۲۲	صفحه ۰۳۴
۲۳	صفحه ۰۳۵
۲۳	صفحه ۰۳۶
۲۴	صفحه ۰۳۷
۲۴	صفحه ۰۳۸
۲۵	صفحه ۰۳۹
۲۵	صفحه ۰۴۰
۲۶	صفحه ۰۴۱
۲۶	صفحه ۰۴۲
۲۷	صفحه ۰۴۳
۲۷	صفحه ۰۴۴

۲۸	صفحه ۰۴۵
۲۸	صفحه ۰۴۶
۲۹	صفحه ۰۴۷
۲۹	صفحه ۰۴۸
۳۰	صفحه ۰۴۹
۳۰	صفحه ۰۵۰
۳۱	صفحه ۰۵۱
۳۱	صفحه ۰۵۲
۳۲	صفحه ۰۵۳
۳۲	صفحه ۰۵۴
۳۲	صفحه ۰۵۵
۳۳	صفحه ۰۵۶
۳۳	صفحه ۰۵۷
۳۴	صفحه ۰۵۸
۳۴	صفحه ۰۵۹
۳۵	صفحه ۰۶۰
۳۵	صفحه ۰۶۱
۳۶	صفحه ۰۶۲
۳۶	صفحه ۰۶۳
۳۶	صفحه ۰۶۴
۳۷	صفحه ۰۶۵
۳۷	صفحه ۰۶۶
۳۸	صفحه ۰۶۷
۳۸	صفحه ۰۶۸

۳۹	صفحه ۰۶۹
۳۹	صفحه ۰۷۰
۴۰	صفحه ۰۷۱
۴۰	صفحه ۰۷۲
۴۰	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

شرح دعاء ندبه

مشخصات کتاب

نوع: کتاب

پدید آور: طباطبایی، محمدشارح

عنوان و شرح مسئولیت: شرح دعاء ندبه [منبع الکترونیکی] / صدرالدین محمد الطباطبائی

ناشر: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (ع)

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۷۲ بایگانی: ۱۶۶.۴KB)

موضوع: دعای ندبه

صفحه ۰۰۱

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۹۰

شرح دعاء ندبه از صدر الدين محمد الطباطبائي يزدي متوفی ۱۱۵۴ که به همت حفید او سید جواد مدرسی چاپ شد

(۹۰)

مفاتیح البحث: الجود (۱)

صفحه ۰۰۲

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۹۱

یکی از مفاخر بزرگ سرزمین یزد که همواره مهد علم و دانش و فضیلت بوده و هست جناب علامه بزرگوار قطب فضائل و کمالات و کرامات صدر الدین محمد الحسنی الطباطبائی است که جد سادات مدرسیه یزد و غیر میباشد و فرزند نصیر الدین محمد است و او فرزند میر محمد صالح اردکانی میباشد که مصلاهی صفدر خان بنا شده برای تدریس او و اعقاب او جناب صدر الدین که گاهی او را میرزا صدرا مینامند و نامش در تذکره میکده و مشجرات السادات فقیه نسابه شهاب الدین مرعشی مشهور به آقا نجفی و الذریعه ثبت است آن بزرگوار تحصیلات نهائی خود را در اصفهان خدمت آقا جمال خونساری وملا- میرزا شیروانی به پایان رسانده. پس از اطلاع به بعض مصنفات ایشان بر ما ظاهر گردید که به تمام علوم اسلامی که متداول عصر خود بوده دانا بلکه صاحب رأی و تصنیف بوده و در زمان خودش در مدرسه مصلی که فوقا ذکر شد مدرس بوده و در سال ۱۱۵۴ جهان فانی را بدرود گفته از ایشان اعقابی به یادگار مانده در میان آنها بسیاری از مجتهدین بزرگ و اطباء حاذق و خطاطین معروف و شعراى سخن سنج و ادباء معانی پرور صاحبان مناصب عالیه و نیز اهل کلام و حکمت و بعض اهل ثروت و زهاد و عباد یافت میشوند.

(۹۱)

مفاتیح البحث: مدینه اصفهان (۱)

صفحه ۰۰۳

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۹۲

اینک فهرست تصنیفات ایشان بنا بر آنچه جد بزرگوارم مرحوم سید محمد المتوفی سنه ۱۳۲۰ تقریباً ابن سید مرتضی نگاشته که که دیده یا شنیده اند درج میگردد جواهر الکلام فی علم الکلام تمام - سللیل المسلسل در طهاره ناتمام لثالی اللیالی در نماز شب حاشیه بر شرح ناتمام رساله تسهیلته در عدة مرصع الحواشی بر حاشیه ملا عبد الله شرح صحیفه ناتمام شرح دعاء ابی حمزه ثمالی تمام شرح دعاء عشرات تمام حواشی بر آیات الاحکام حواشی بر مجمع البیان حواشی بر مسالک حواشی بر مدارک رساله در اصول دین فارسی رساله جنک دستور صغیر ایضا جنک کبیر در حل مشکلات حواشی بر جامی حواشی بر جامع المقاصد تنبیه در سابق دورسا له تفسیری از ایشان بنام عین حقیقه تفسیر سورة توحید ولسان الصدق تفسیر سورة الدهر والقدر منضمنا به بینش غرض آفرینش از فاضل هندی ره طبع کردم واینک شرح دعاء ندبه ایشان را منضمنا به عقد الحسینی والحجّه مبادرت به چاپ آن مینمایم و همه آنها را از یک جنک و مجموعه ایشان که در دست است استخراج کردم و چون سابقا احوال ایشان با شجره نامه به عربی نگاشتم در این دفعه به فارسی نوشتم تا مورد استفاده همگانی باشد فائده در مجموعه علام فهام جدم سید محمد رفع مقامه چنین ثبت شده بود

(۹۲)

مفاتیح البحث: کتاب مجمع البیان للطبرسی (۱)، کتاب جواهر الکلام للشیخ الجواهری (۱)، سورة الإنسان (الدهر) (۱)، الصدق (۱)، الوفاة (۱)، الطهاره (۱)

صفحه ۰۰۴

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۹۳

قد رأى بعض الاقوام والقرباء فى المنام جدنا العلامة صدر الدين محمد الحسنی اعلى الله مقامه فى الاعلام وقد سئل عنه عن وقت الجاهلية فقال على فتره من الرسل فلما رأى من المسائل التأمل فصرخ بهذا اللفظ لا فقد ان لحجج قال السائل فمر بخاطرى هل كان فى القرآن ما يفصح عن ذلك فقال عليه الرحمه اما قرئت انى جاعل فى الارض خليفه ثم لم يتضح لى الامر فاحس ذلك منى واكدا ما تعرف ان الجملة الاسميته يفيد الدوام والثبات فطمئن فى قلبى الثبات وقد عرض هذا البعض من الاقرباء رؤياه مستفسرا عن صحته على الاستاد دام فضله وهو من متقنى الكلام والحكمه فحكم بان هذا من الرؤيا الصادقه اقول ثم انا راجعت التفسير فرأيت زمرة من الاحاديث على هذه الرؤيا مصدقه والحمد لله انتهى در خاتمه برای مزید فائده ماده تاریخ و مرثیه جناب صدر الدين محمد و بعض اعظام از اولادش که ماده تاریخی از آنها بما رسیده ذکر میشود ۱ - برای صدر الدين محمد سروده اند و گوینده آن نمیشناسم یزدیان ... ایمان که به پا بود از او مذهب حق ملت و دین حنیف از روی راست اعتقادش ز علومش مشتق رفت شادان و خرامان به جنان گشت با روح قدس او ملحق

(۹۳)

مفاتیح البحث: القرآن الکریم (۱)

صفحه ۰۰۵

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۹۴

روح پاکش بریا به ریاض جنت شده در رحمت حق مستغرق مؤمنی عالم رؤیا دیدش جامه داشت به برز استبرق بود در خلد برین صدر نشین لله الحمد به جدش ملصق چو زروحش مددی خواست خرد گفت تاریخ وفاتش الحق ز میان رفت دل و دین بماند مسند شرع نبی بی روتق (۱۱۵۴) ۲ - علامه میرزا محمد علی مدرس جامع جمیع کمالات بوده اند و دارای تصانیف بسیار هفتاد و دو سال

عمر کرده در سنه ۱۲۶۵ مرحوم شده اند در تذکره میکده و سائر جاها نام ایشان ثبت است شعرا در مرثیه ایشان شعرها گفته اند از آن جمله میرزا محمد علی شهلا که از اقوام مدرس مذکور بوده چنین میسراید دریغ و درد ز دور سپهر کج بنیاد که راستی به کسش نیست هرگز از بیدار نه آیدش به جهان جز طریق بغض و نفاق نباشدش به کسی شیوه وفاق و داد نه هیچکس بود از کجروی او ایمن نه هیچکس رسد از راستی او به مراد همیشه شیوه او بوده است جور و ستم همیشه پیشه او بوده است حقد و عناد (۹۴)

مفاتیح البحث: النوم (۱)

صفحه ۰۰۶

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۹۵

یکی ز ناگه بگردد دمی به کام دلش یکی نه تا که بود بود از رویه اش دلشاد ز جود اوست که بزم نشاط گشته خراب ز جور اوست که ابواب غم بود آزاد و اگر نه از چه نگردد به کام کس پرسش و اگر نه از چه نیارد ز کس به عالم یاد اگر از او به جهان نیست رسم حقد و حسد و گر از او به جهان نیست بانگک شور و فساد ز کیست این همه راد زمانه آه و فغان ز چیست اینکه بر آرند ناله و فریاد چه شد که نیست دمی کس ز کار خانه دهر چه شد که نیست دمی کس به عالم ایجاد ز جور و کینه و بیداد آسمان فارغ ز محنت و الم و فتنه زمین آزاد هماره تا که بود رسم اوست جور و ستم مدام تا که بود شیوه اش بود بیداد چرا که مینبود مهربانیش آئین چرا که مینرود کینه جوئیش از یاد (۹۵)

مفاتیح البحث: الجود (۱)

صفحه ۰۰۷

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۹۶

مدار چشم عنایت ز آسمان و بین حکایت جم و کاووس و کیقباد و قباد چه جوئی از فلک اسباب ملک گردانی نمانده است نشانی ز خسروان بلاد مگر ز قصه شیرین و شکری غافل مگر که نیستی آگه ز (خسرو) فرهاد بین چه کرد ز شیرین فلک زرشک شکر بین چه کرد ز فرهاد تیشه فولاد همین به پادشهان نیست سختی دوران بنای چرخ چنین بوده است سست نهاد ز نا ثباتی و رسم زمانه نادانی که بوده است فلک را به کجروی معتاد کنم حکایتی از وصف قمری و بلبل کنم شکایتی از قصه گل و شمشاد چو گشت با خبر از قمری آسمان ز فغان چو یافت آگهی از حال بلبل از فریاد کند درخت برومند سرو را از بیخ دهد نهال گل نو شکفته را بر باد (۹۶)

صفحه ۰۰۸

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۹۷

که هست بلبل شیدا به عشق گل در بند که نیست قمری مفتون ز قید سرو آزاد فغان بلبل و قمری به باغ از آم نبود که سرو گل را بر کند چرخ از بنیاد از آن به ناله و فریاد و زاریند که باز ز کینه ناگهش از جویبار عالم داد قضا به باد فنا گلین شریعت را که بود گلشن دین نبی از او آباد محیط علم و عمل آسمان فضل و هنر سپهر عزت و شأن ماه عالم ایجاد کسی که جاری از احکام اوست

دین مبین کسی که رفت اساس ستم از او بر باد ز آنچنان به خدا داشت اعتماد از خود که در جهان طلبد هر کس از کس استمداد بجز عبادت و تقوا ز کس نکرد طلب بجز به زهد و ورع خلق را نکرد ارشاد به زهد و تقوی تا جهان مزین شد کسی نیارود از یزید و شبلی یاد

(۹۷)

مفاتیح البحث: الزهد (۲)

صفحه ۰۰۹

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۹۸

شپهر شخصش را گشته است از خدام فلک جنابش را آمده یکی ز عباد چو بندگان بود او را به جان زمانه مطیع چو مخلصان بود او را به دل فلک منقاد جهانیان را نایب مناب هادی عصر کزو جهان همه پرگشته از عدالت و داد زمانیان را قایم مقام نوع نبی که فلک و ملک زمان را بود چو باد مراد سزد که بر همه خلق از عبادت او به روز حشر کنند افتخار اگر عباد ز زهد اوست که زهد اباذری است عیان نهان ز زهد اباذر شوند اگر زهاد همین نه دین نبی گشته است از او محکم که از برای تو آرم ز حکمش استشهاد از او به دهر بر آزارد ملت دهری هم از وی است که طی گشته مذهب الحاد اگر دهد کسی او را به دیگران نسبت چنان بود که پر افشان شود هما با خار

(۹۸)

مفاتیح البحث: الزهد (۳)

صفحه ۰۱۰

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۹۹

گر او به دهر نمیکرد دادخواهی خلق کسی کسی را دیگر نمیرسید به داد به لوح سینه جنان مینگاشت هر سخنی که گاه نطق نمیگشت از او نه کم نه زیاد به ملک معرفتش پیک شبه راه نیافت به بزم معتدلش شخص ظلم پا نهاد همین بس است ز عدلش سخن که در عهدش هما و صعوه نکردند از هم استبعاد نداشت هیچکس گله ای بجز ستم که به عهدش مدام میزد داد هر آنکه دشمن جاه و جلال او میبود اگر چه بود شدید العداوة چون شداد با وجه کرد فلک در زمانه میداند کسی که باشد آگاهیش ز قصه عاد چگونه دم به مدیحش زخم که نتوانم ز تازی و دری و نظم و نثر او تعداد به آنکه گویم مجموعه ای است از هر علم چرا که پایه اش اعصاء نمیشود تعداد

(۹۹)

صفحه ۰۱۱

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۰۰

چگونه بی سپر مدح او توانم بود که زاه مدحش دور است و طبع من بیزار رسید بر رگ حالش از اجل نشتر مرگ رسد هر آنچه به شریان ز نشتر فصاد چو گشت منعکف آن آفتاب برج شرف ستاره همه خلق در و بال افتاش جدا مراست از آن ماه منخسف یکسان چه بهمن و چه فرودین و چه مهر و چه مرداد نشان رحلتش از من اگر که میخواهی بگیر غره از تیر و سلخی از خرداد به دقت ار به شمارد درست کس داند گذشته عمر شریفش دو سال از هفتاد غرض چه بود از او دین احمدی برپای ولی ز کینه فکندش ز پا

فلک ز عناد رقم زدا ز پی تاریخ فوت او (شهلا) که آه رایت دین نبی ز پا افتاد (۱۲۶۵) اگر نبود از او جانشینی اندر دهر اگر نبود از او نایی بر اهل بلاد
(۱۰۰)

مفاتیح البحث: البول (۱)

صفحه ۱۲

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۰۱

چه میرسید ندانم ز جور و کینه به خلق چه میگذشت ندانم ز مردم از بیداد سمی ساقی کوثر محیط فضل و هنر امیر کشور دانش خدیو پاک نژاد ندیده چشم فلک چون تو در جهان فرزند ای آنکه همچو توئی مادر زمانه نژاد مدار خاطر خود را ز غم غمین که تو را مدام کار به کام است بخت در امداد به روزگار همان در هنر نیامده است کسی که با تو تواند نماید استبداد به دوش غاشیه عجز میکشد خصمت در آوری چه به جولان سمنند استعداد
(۱۰۱)

صفحه ۱۳

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۰۲

۳- آمیرزا سید حسن بن مدرس یگانه در جودت فهم و قوه استنباط صاحب شوارع السلام فی شرح شرایع الاسلام که به اشاره صاحب جواهر نگاشته و رساله استصحاب و غیر ذلک در سن سی سالگی پس از بسیاری غمها و غصه‌ها از دست دشمن‌ها به مرض و با در زمان حیات پدر پیرش مرحوم شده در خیر آباد که از حومه های شهر یزد است و تاریخ و با که به آن مرض از یزد و حوالی قریب سی هزار نفر مردند ۱۲۶۲ است پدر غمدیده اش مرحوم مدرس اشعاری به عربی و فارسی در مرثیه فرزند برومند خود فرموده برای یادگار نگاشته میشود.

سبقت الى الآباء والاب بالقفا * بنی علی الدنيا بعدك العفا أبا حسن الطهر الزکی جفوتنی * بهجر وما ان كان شيمتك الجفا برزئك قد حلت وجلت مصائب * وفي مستهل الشامتين لمكتفی وجدت نبی الله ایوب صابرا * ويعقوب طول الدهر یدكر یوسف ولا قلب لی حتی اقاسی صبره * والا فاستدمی بدمعی تأسفا خلیلی (خیر آباد) ای مفعج * قفانبك من ذكرها ثم قفا بها حسن قد غاب عنی مجهزا * کیوسف عن یعقوب لابل تحالفا بنی المصطفی قوموا الی القوم فاندبوا * لعالمکم مستصرخین تلهفا طغی فبغی الباغی علیه وجده * بمرمی ولید حین مزق مصحفا طوبی نهال سدره مثالی ببرگک وبار * کزبوستان ختم نبی بود یاد گار
(۱۰۲)

مفاتیح البحث: المرض (۲)، الصبر (۱)

صفحه ۱۴

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۰۳

آن نخل سر بلند که گاهش ای دریغ * از پا فکند صرصر بیداد روزگار در مجلسی که آل رسولند ماتمی * در ماتمی که فرخ بتولند سوگوار پای ثبات بر سر این ماجرا نهد * ایوب اگر به عهد صبوری است استوار باید اگر سپهر بسوزد به برق آه * شاید اگر نجوم بریزد سرشک وار باری خدای آنچه کند بنده پروری است گو جوی خون روان شود از دیده در کنار ۴ - میرزا سید علی

فرزند حاج میرزا علی رضا و سبط مدرس آیت بزرگ ذکاوت و هوش صاحب الهام الحجة و سایر تصنیفات که تمام از عمق نظر وسعه باع آن جناب حکایت میکنند در سن چهل و نه سالگی در سال ۱۳۱۶ هنگام مراجعت از مشهد مقدس در طبس مرحوم شده اند اشعاری در مرثیه و ماده تاریخ از جناب آخوند ملا عبد الکریم واعظ بن حاج محمد حسین صفار (مسگر) که ملقب به عماد الاسلام بودند و به مجاهد تخلص میکردند ذکر میشود رخت بر بندد که نیست کس در این دیر مقیم ترست راه زند کوس الملک عقیم این همان مملکت است که سلیمان را بود بس برای تنبیه دل اگر نیست سقیم گر بجای دگری داری امروز مقام هست فردا که یکی شد بجای تو مقیم

(۱۰۳)

مفاتیح البحث: عبد الکریم (۱)، الشهادة (۱)

صفحه ۱۵

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۰۴

خنک آن آزادی که دل از دست نداد پای ننمود دراز بیش از حد گلیم همچو آن میر زمان فخر اهل ایمان گوهر علم و عمل جوهر ذوق سلیم ثمر نخل وفا دوحه روض صفا آیت جود و سخا معنی خلق کریم فاضل عصر و مفید مرتضای فقها سید طایفه و شیخ منهاج قویم دامن همت او پاک ز آرایش دهر موطنی را نگزید غیر جنات نعیم شد مجاهد در فکر بی تاریخ که زد خامه غیب رقم (لایق الفوز العظيم) ۱۳۱۶ ۵ - حاج میرزا سید علی فرزند حاج میرزا محمد صادق و سبط مدرس از نوابغ عالم علم و دانش مشهور در آفاق فضل در سن ۸۱ سالگی سنه ۱۳۶۴ قمری در یزد مرحوم شدند و در امامزاده جعفر به خاک سپرده گردید رحمه الله علیه بر لوح مزارش نوشته بود قیل فی تاریخ وفاته قد مات من بلغ العلی بکماله * وهو الذی حسنت جمیع خصاله

(۱۰۴)

مفاتیح البحث: الموت (۱)، الجود (۱)

صفحه ۱۶

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۰۵

قد مات من احیی مآثر جده * بمداده ومقاله وفعاله قبض الاله روحه فی لیلته * قتل الحسین لیومها بقتاله بکت السموات العلی ونجومها * لمجدد العاشور عند زواله وفقیه بیت الوحی کان هو الذی * ادري بما فی البیت من اثقاله قد قیل فی تاریخه مصیبه * صبت علی اهل العلی وآله ۱۳۶۴ - یزد (سید جواد مدرسی) عفی عنه

(۱۰۵)

مفاتیح البحث: الجود (۱)، القتل (۱)، الموت (۱)

صفحه ۱۷

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۰۶

بسم الله الرحمن الرحيم اما بعد حمد الله المدعو بكل لسان المرجو فی كل نعمه واحسان والصلوة علی افضل من بعث علی الانس والجان باكمل الاديان محمد وآله الوسایل فی العاجلة الشفاء فی الاجلة فباي آلاء ربكما تكذبان فيقول العبد الحقير المقر بالتقصير محمد المدعو بصدر الدين ابن السيد نصير اني لما رأيت الدعاء الشريف الشهير بدعاء الندبة المندوب قرائته في الجمعه والعيدين

والغدیر كما روى عن الامام الهمام وسيد الانام الفرقان بين الحلال والحرام القرآن الناطق بالحقائق والاحكام ابى عبد الله جعفر بن محمد الصادق عليه السلام مشتملا على بعض اللغات العربية والعبارات العجيبة المفحمة للفصحاء والعرب العرباء وقد كان يتضح منها انه عليه السلام افضل الناس بلاغة وكلاما فلا بد ان يكون حجة واماما والا لزم تفضيل المفضول وانصراف المعدول خطر لى ان اشرحه شرحا يفصل اجماله وان لم يبلغ منى كماله ثم ترجمته لتعم عائدته وها انا اشرع فى المقصود بعون الله الملك المعبود بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذى لا اله الا هو وله الحمد سپاس و ستايش مر خدای راست آنچنان خدای را كه نيست خدائى مگر او و از برای اوست

(۱۰۶)

مفاتيح البحث: الإمام جعفر بن محمد الصادق عليهما السلام (۱)، القرآن الكريم (۱)، الحج (۱)

صفحه ۱۸

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۰۷

رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد نبيه ستايش پروردگار عالميان و رحمت فرستد بر بهتر و مهتر ما محمد پيغمبر او وآله و سلم تسليمًا قوله عليه السلام وله الحمد عطف على الصلوة و آل او و سلام فرستد سلام فرستادنى اى الذى انحصر له الحمد له كما توحده وقوله رب العالمين بدل عن الضمير المجرور أو مرفوع خبرا عما حذف لسبق ذكره وللدلالة على انه من الظهور بحيث لا يفتقر الى الدلالة عليه وعلى انه ينبغي ذكره دائما لا يغفل عنه وعلى ان هذا الوصف لا يصلح لغيره سبحانه وعلى الوجهين بيان للانحصار ويحتمل ان يكون المعنى ان الحمد ملك له وبالهامه من قبيل له ما فى السموات وعلى هذا يحتمل الحالية كالاغراض وعليهما فيحتمل نعتا وقوله (عليه السلام) صلى الله جملة انشائية دعائية كما ان ما عطفت عليه انشائية ثنائية كما هو المشهور اللهم لك الحمد على ما جرى به قضائك فى خداوندا مر تو راست ستايش بر آن چیزی كه جارى شده است به آن قضاء تو در اوليائك الذين استخلصتهم لنفسك ودينك دوستان تو آنچنان دوستانی كه خالص گردانیده ای از برای خود و دين خود إذا خترت لهم جزيل ما عندك من النعيم زیرا كه برگزیده ای از برای ایشان بزرگ آن چیزی را كه نزد تو است از نعمت المقيم الذى لا- زوال له ولا اضمحلال پایدار آنچنان نعمتی كه نيست شدن از برای او و نه رفتن

(۱۰۷)

صفحه ۱۹

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۰۸

بعدهما اثنى الداعى عليه سبحانه بجملة من سماته الحسنی استعد لان يشاهده مخاطبة فهو من قبيل الالتفات من غيبة الى الخطاب فى اياك نعبد والقضاء هو الحتم المتعقب عن التقدير للامضاء إذا قضى امرا فانما يقول له كن فيكون فاما التقدير فقد بيد وبالبداء وفى الحديث الدعاء يرد ما قدر وما لم يقدر بعد ان شرطت عليهم الزهد فى درجات هذه الدنيا الدنية بعد از آنكه شرط کرده ای برايشان بيرغبتي بر بلنديهاى اين دنياى پست و زخرفها وزبرجها فشرطوا ذلك وعلمت و زر و زينت آن و آرايش آن پس شرط گرداند از برای تو آن را و دانسته بودى منهم الوفاء به الزخرف بضم الزاء المعجمة ثم الراء المهملة إذا يشان وفاء به آن شرط را كالزبرج بكسرهما فقبلتم وقربتهم وقدمت لهم الذكر پس پسندیدی ایشان را و نزدیک گردانیدی ایشان را و پيش گردانیدی از العلى والثناء الجلى واهبط عليهم ملائكتك و بلند را و ستايش بزرگ را و فرود آوردی بر ایشان فرشتگان را و اگر متهم بوجهك ورفدتهم بعلمك گرامی گردانیدی ایشان را به وحيث و يارى گردانیدی ایشان را به دانشت وجعلتهم الذريعة اليك والوسيلة الى رضوانك

(قوله عليه السلام) و گردانیدی ایشان را وسیله به سویت و وسیله به خشنودیت و رفدتهم بعلمک لا مزیه فوق العلم و فوق کل ذی علم علیم ولذا یرفع
(۱۰۸)

مفاتیح البحث: الزهد (۱)، الثناء (۱)

صفحه ۲۰

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۰۹

صاحبه كما قال الله تعالى یرفع الله الذین آمنوا والذین اوتوا العلم درجات ویتاتی ان یرتد بعلمه تعالی علی قدرته ولنعم ما قیل توانا بود هر که دانا بود به دانش دل پیر برنا بود و ما قیل هر که در او دفتر دانائی است و ز همه کاریش توانائی است فالمعنی اعتنهم باعطائك العلم الذی لك مأخذ الوجهین اللام كما مرت إليه الاشارة وقوله (عليه السلام) وجعلتهم الذریعة الیک أى فی جمیع الامور اذلا- امر یتجلی الا- هو تحت نوره ولا- هادی لنوره غیره فبعض اسکنته جنتک پس بعضی آرام داده او را بهشت الی ان اخرجته منها وبعض حملته فی فلکک ونجیته تا آنکه بیرون کرده او را آرزو و بعضی برداشته او را در کشتیات و نجات داده او را و من آمن معه من الهلکة برحمتک و بعض اتخذته و آن کسی که ایمان آورده است با او از هلاکی به سبب رحمت و بعضی فرا گرفته او را لنفسک خلیلا- وسألک لسان صدق فی الاخرین از برای خودت دوست و سؤال کرده است تو را زبان راستگو در آخرین فاجتته وجعلت ذلك علیا پس جواب داده او را گردانیده آن لسان صدق را علی (عليه السلام) چنان که از نسل و ذریت آن حضرت است عن بعض المفسرین ان جنه آدم کانت بستانا من بساتین الدنیا و روی محمد بن یعقوب عن الحسن بن بشر قال سالت الامام ابی عبد الله (عليه السلام) جعفر بن محمد الصادق (عليه السلام) عن جنه آدم (عليه السلام) فقال جنه من جنات الدنیا
(۱۰۹)

مفاتیح البحث: الإمام جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام (۱)، الإمام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیهما السلام (۱)، النبی آدم علیه السلام (۱)، محمد بن یعقوب (۱)، الحسن بن بشر (۱)، التصدیق (۲)، الهلاک (۱)

صفحه ۲۱

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۱۰

تطلع فیها الشمس والقمر لو کانت من جنات الاخرة ما خرج منها ابدا و قال بمضمونه الصدوق ره فی اعتقاداته و کذا مولانا محمد باقر ولعله الظاهر مما فی القرآن هل ادلک علی شجرة الخلد و ملک لا یبلی و مما فی نهج البلاغه ثم اسکن سبحانه ادم دارا ارغد فیها عیثه. والهلكة بالتحریک مصدر والخلة بالضم الصداقة المحضه لا خلل فیها كما فی ق قلت والمحبة فوقها ولذا لم یرتد فی مفهومها التعلق بالقلب بخلاف المحبة ولقد نشدت فی عنفوان الشباب. گر نمیبودی محبت بهترین ربطی به دوست پس چرا احمد حبیب الله را دارد خطاب قوله (عليه السلام) وسألک لسان صدق فی الاخرین حیث قال واجعل لی لسان صدق فی الاخرین وقد فسر بذکره حدیثه و کلماته الحقه وبالولد الصادق واللسان الناطق كما هو صریح قوله (عليه السلام) وجعلت ذلك یعنی امیر المؤمنین (عليه السلام) وبعض کلمته من و بعضی سخن گفته او را از شجرة العلم تکلیما وجعلت له اخیه درخت دانش که شجره طوبی باشد سخن گفتنی و گردانیدی تو از برای او از برادرش درئا و وزیرا و بعض اولدته من غیر اب یاوری و یاری کننده و بعضی متولد گردانیده او را از و آیتته البینات و ایدته بروح القدس بیبدی و داده او را حجتها و قوت داده او را به روح القدس و کلا شرعت له شریعه و نهجت له منهاجا و همگی را قرار داده از برای او دینی و هویدا کرده از برای او راه روشنی

(۱۱۰)

مفاتيح البحث: الإمام أمير المؤمنين علي بن ابي طالب عليهما السلام (۱)، كتاب شجرة طوبى للشيخ محمد مهدي الحائري (۱)، كتاب نهج البلاغة (۱)، الشيخ الصدوق (۱)، القرآن الكريم (۱)، الصدق (۱)، التصديق (۱)

صفحه ۰۲۲

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۱۱

قوله (عليه السلام) كلمته من شجرة العلم تكليما التفعيل قد يجيئى بمعنى التفعّل قال الله تعالى لا تقدموا بين يدي الله ورسوله وفي الامثال قد بين الصبح لذي عينين ولعل في التعبير عن تكلم الله بالتكليم كما في الايات القرآنية ايماء الى ان تكلمه عبارة عن خلقه الكلام في لسان جبرئيل (عليه السلام) أو في شجرة طور أو غيرهما وفي الصحاح الردء العون قال الله تعالى ارسله معي ردئا يصدقني والوزير الموازر كالاكيل المواكل لانه يحمل عنه وزره أي ثقله وكلا منصوب على ما اضمر عامله على شريطة التفسير بحيث لو سلط مناسبه ... وتخيرت له اوصياء مستحفظا و برگزیده ای از برای او وصيان او را یعنی خواسته شده بعد مستحفظ من مدة الى مدة یاد گرفتن بندگان از او را بعد از خواسته شده یاد گرفتن بندگان از او را از مدتی تا مدتی اقامه لدينك و حجة على عبادك و لثلا از جهت بر پا داشتن مر دین تو را و برهان آوردن بر بندگان تو آنکه يزول الحق عن مقره ويغلب الباطل بر طرف نشود حق از آرامگاهش و غالب نشود باطل على اهله و لثلا يقول احد لو لا ارسلت بر اهلهش و تا آنکه نگويد هيچكس که چرا نفرستادی الينا رسولاً منذرا واقمت لنا علما به سوى ما پيغمبری بيم کننده و برپا نداشتی از برای ما نشانی را

(۱۱۱)

مفاتيح البحث: الحج (۱)

صفحه ۰۲۳

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۱۲

هاديا فنتبع آياتك من قبل ان نذل راه نماينده پس پیروی کنیم آيات ترا از پیش آنکه خوار شويم و نخزی قوله (عليه السلام) مستحفظا اسم مفعول ففی المصادر الاستحفاظ و رسوا شويم یاد گرفتن و یاد گرفتن خواستن فهو بالمعنى الثانى والفرق بينهما ان الثانى يتعدى الى مفعولين لعل الاول منهما الشخص الاول الى واحد هو الشئى وفي القرآن فى سورة المائدة انا انزلنا التوریه فيها هدى ونور يحكم بها النبيون الذين اسلموا للذين هادوا والربانيون والاحبار بما استحفظوا من كتاب الله وكانوا عليه شهداء وهو منصوب على المدح بتأويل اعنى ويحتمل البدلية والحالية والظرفان متعلقان بهما بل بشرعت بل بالافعال الثلثة والحجة فعلة بمعنى ما يحتج به استعمال فى الاحتجاج من قبيل استعمال الكل فى الجزء واعادة العامل فى لثلا يقول دون يغلب لاتصال الغلبة بالزوال بخلاف القول فكان الاولين غاية واحدة والثالث ثانية لهما فهو عطف على لثلا يزول لا غير وقوله (عليه السلام) على اهله أى اهل الحق وتحتل اهل الباطل أى على انفسهم فلا يتقوين على دفعه ولولا تحضيضيته والتحضيض على الشئى يستلزم الدم على نقيضه الى ان انتهت بالامر الى حبيك ونجيبك تا آنکه انتها فرمودی امر رسالت و ولايت را به سوى دوست خود و برگزیده خود

(۱۱۲)

مفاتيح البحث: سورة المائدة (۱)، القرآن الكريم (۱)، الباطل، الإبطال (۱)، الشهادة (۱)

صفحه ۰۲۴

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۱۳

محمد صلی الله علیه وآله فکان كما انتجتته محمد (صلی الله علیه وآله) درود فرستد خدا بر او و آل او پس بود چنان که برگزیده او را سید من خلقتة و صفوة من اصطفیته مهتر از آنکه آفریده بودی او را و خالص از آنکه برگزیده بودی او را و افضل من اجتیته و اکرم من اعتمدته و فاضل تر از آنکه برگزیده بودی او را و گرامیتر آنکه قصد کرده بودی او را الظرف متعلق باسکنته و ما عطف علیه و یحتمل التعلق بخصوص سرعت و ما عطف علیه و الباء للتعدیة و الصفوة بالتاء مثلثة كما فی الصحاح وق ما صفا و فی خطبة لامیر المؤمنین (علیه السلام) فی روضة من فی ایها الناس ان الله وعد محمد (صلی الله علیه وآله) نبیه الوسيلة و وعده الحق ولن یخلق الله وعده الا وان الوسيلة اعلى درج الجنة و ذرورة ذوائب الزلفة و نهاییه غایة الامنیة لها الف مرقاة ما بین المرقاة الی المرقاة حضر الفرس الجواد مائة عام و هو ما بین مرقاة درة الی مرقاة جوهره الی مرقاة زبرجد الی مرقاة لؤلؤة الی مرقاة یاقوتة الی مرقاة زمردة الی مرقاة مرجانه الی مرقاة کافور الی مرقاة عنبر الی مرقاة یلنجوح (۱) الی مرقاة ذهب الی مرقاة فضة الی مرقاة کافور الی مرقاة غمامة الی مرقاة هواء الی مرقاة نور قد اناقت (۲) علی کل الجنان و رسول الله (صلی الله علیه وآله) یومئذ قاعد علیها مرتد بریطتین ربطة من ارجوان النور و ریطة من کافور و الرسل و الانبیاء قد وقفوا

(۱) عود البخور (۲) ارتفعت و اشرقت

(۱۱۳)

مفاتیح البحث: الإمام أمير المؤمنين علی بن ابی طالب علیهما السلام (۱)، الرسول الأکرم محمد بن عبد الله صلی الله علیه وآله (۴)، الجود (۱)

صفحه ۲۵

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۱۴

علی المراقی و اعلام الازمنته و حجج الدهور عن ایماننا و قد تجللتهم حلل النور و الکرامه لا یرانا ملک مقرب و لا نبی مرسل الا بهت بانوارنا و عجب من ضیائنا و جلالتنا و عن یمین الوسيلة عن یمین الرسول (صلی الله علیه وآله) غمامة بسطة البصر یاتی منها النداء یا اهل الموقف طوبی لمن احب الوصی و امن بالنبی الامی العربی و من کفر فالنار موعده و عن یسار الوسيلة عن یمین الرسول (صلی الله علیه وآله) ظلمة یاتی منها النداء یا اهل الموقف طوبی لمن احب الوصی و آمن بانبی الامی و الذی له الملك الاعلی لا فاز احد و لا ناله الروح و الجنة الامن لقی خالقه بالاخلاص لهما و الاقتداء بنجومهما الخطبة قدمته علی انبیائک و بعثته علی الثقلین پیش داشتی او را بر پیغمراحت و برانگیختی او را به سوی انس و جن من عبادک و او طاته مشارکک و مغاربکک و سخرت از بندگانت و پا سپردن فرمودی او را در مشرقهایت و مغربهایت و رام کردی له البراق و عرجت بروحه الی سمائک از برای او براق را و بلند کردی او را با روحش به سوی آسمانت و او دعتة علم ما کان و ما یكون الی انقضاء خلقک و سپردی او را دانش آنچه بوده است و آنچه خواهد بود تا به سر آمدن مخلوقات الثقلان الجن و الانس اما باعتبار کثرة افرادهما و هو محل تأمل إذ لعل الملك اکثر كما یظهر من الخبر الا ان یراد ظاهرا و اما باعتبار ان مواد هما من العناصر الاربعة الكثیفة بخلاف الملك فانها اجسام لطیفة روحانیة

(۱۱۴)

مفاتیح البحث: الرسول الأکرم محمد بن عبد الله صلی الله علیه وآله (۲)، الظلم (۱)، الوصیة (۱)

صفحه ۲۶

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۱۵

غنية بالتسييح والتقديس والتهليل وذكر الله تعالى عن الطعام والشراب كما في الصحيفة الكاملة اما الثقلان في حديث الثقلين فهما المفسران فيه كتاب الله وعترتي وبالجملة فيدل على بعثه على الكافة كما عده العلماء من خصائصه وفي الصحاح واوطاته الشئى فوطاه فهذه الفقرة نوع تمهيد لذكر المعراج وفي المصادر الايطاء برسپردن چیزی داشتند ومنه الحديث فاطمهم رعاء الابل غلبه أى غلبهم وقهروهم بالحجة انتهى ولعله معنى مجازى وبالجملة هو معنى آخر لعله اتقن بل الصق بالسابق وجمعية المشارق والمغرب اما باعتبار الكواكب واما باعتبار اختلاف المشرقين والمغربين فى الفصول الاربعه بل كل يوم وعن الاصبح بن نباته قال خطب امير المؤمنين على (عليه السلام) على منبر الكوفة فحمد الله واثنى عليه ثم قال ايها الناس سلونى قبل ان تفقدونى فان فى جوانحى علما جما فقام عبد الله بن الكواء فقال يا امير المؤمنين ما الذاريات ذروا قال الرياح قال ما الحاملات وقرا قال السحاب قال ما الجاريات يسرا قال السفن قال المقسمات امرا قال الملائكة قال يا امير المؤمنين (عليه السلام) وجدت كتاب الله ينقض بعضه بعضا قال ثكلتك امك يا بن الكواء كتاب الله يصدق بعضه بعضا فاسئل عما بدالك قال سمعته يقول رب المشارق والمغرب وقال فى آيه اخرى رب المشرقين ورب المغربين وقال فى آيه اخرى رب المشرق والمغرب وقال فى آيه اخرى رب المشارق والمغرب واما قوله رب المشرقين ورب المغربين فان مشرق الشتاء عليحده ومشرق الصيف عليحده واما قوله رب المشارق

(۱۱۵)

مفاتيح البحث: الإمام أمير المؤمنين على بن ابي طالب عليهما السلام (۲)، حديث الثقلين (۱)، مدينة الكوفة (۱)، الأصبح بن نباته (۱)، الطعام (۱)، البعث، الإنبعث (۱)

صفحه ۲۷

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۱۶

والمغرب فان لهما ثلثمائة وستين برجا تطلع كل يوم من برج وتغيب فى آخره فلا ترد إليه الامن قابل ذلك اليوم قوله (عليه السلام) وعرجت بروحه لم يرد (عليه السلام) بالروح النفس الناطقه فان معراج (صلى الله عليه واله) بجسمه الشريف بالاجماع بل المراد جبرئيل (عليه السلام) أو الروح الذى هو اعظم الملائكة الذى انزل إليه كما فى القرآن واختص به (صلى الله عليه وآله) ثم بآله عليهم السلام كما فى فى فالباء بمنى مع ولا يبعد ان يراد النفس الناطقه لا بمعنى عدم عروج الجسم بل بمعنى بقاء حيوته أى لا كروح الله عيسى (عليه السلام) حيث انه توفاه ورفع فالباء للملابسة وفى عيون اخبار الرضا (عليه السلام) فى آخر حديث والظاهر انه من تتمته وجميع الائمة الاحد عشر بعد النبي (صلى الله عليه وآله) قتلوا بالسم قتل كل واحد منهم طاغوت زمانه وجرى ذلك عليهم على الحقيقة

وفى الاحتجاج يما روى عن ابن عباس قالوا (يعنى اليهود) ان سليمان خير منك قال (صلى الله عليه وآله) ولم ذاك قالوا لان الله سخر له الشياطين والانس والجن والطير والسحاب قال النبي (صلى الله عليه وآله) فقد سخر الله عز وجل لى البراق وهو خير من الدنيا بحذافيرها وهى دابة من دواب الجنة وجهها مثل وجه الادمى وحوافيرها مثل حوافير الخيل وذنبها مثل ذنب البقر وهو فوق الحمار دون البغل سرجه من ياقه حمراء وركابه من درة بيضاء مزومومة بسبعين الف زمام من ذهب عليه جناحان مكللان بالدر والياقوت والزبرجد مكتوب بين عينيه لا اله الا الله وحده لا شريك له وان محمدا رسول الله قالت اليهود صدقت يا محمد هو مكتوب فى التوريه =

(۱۱۶)

مفاتيح البحث: كتاب عيون أخبار الرضا عليه السلام (۱)، النبي عيسى بن مريم عليهما السلام (۱)، الرسول الأكرم محمد بن عبد الله صلى الله عليه وآله (۲)، القرآن الكريم (۱)، القتل (۱)، عبد الله بن عباس (۱)، الشراكة، المشاركة (۱)

صفحه ۲۸

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۱۷

والصحة لا كما يقوله الغلاة والمفوضته لعنهم الله فانهم يقولون لم يقتلوا على الحقيقة وانه شبه على الناس امرهم فكذبوا عليهم غضب الله فانه ما شبه امر احد من انبياء الله وحججه عليهم السلام الا امر عيسى بن مريم وحده لانه رفع من الارض حيا وقبض روحه بين السماء والارض ثم رفع الى السماء ورد عليه روحه من ذلك قول الله عزوجل إذ قال الله يا عيسى اني متوفيك ورافعك الى وقال عز وجل حكاية لقول عيسى يوم القيمة وكنت عليهم شهيدا ما دمت فيهم فلما توفيتي كنت الاية ثم اصل المعراج من ضروريات الدين وفي حديث في عن الصادق (عليه السلام) انه عرج برسول الله (صلى الله عليه وآله) مرتين =

هذه خير لك منه وفي الاحتجاج قال له اليهودي فان هذا سليمان (عليه السلام) وقد سخرت له الرياح فسارت بها في البلاد عدوها شهر ورواحها شهر قال له علي (عليه السلام) لقد كان كك محمد (صلى الله عليه وآله) اعطى ما هو افضل من هذا انه اسرى به من المسجد الحرام الى المسجد الأقصى وعرج به ملكوت السموات مسيرة خمسين الف عام في اقل من ثلث ليلة حتى انتهى الى ساق العرش فدنى بالعلم فتدلى فدلى له من الجنة رفر فاحضر فغشى النور بصره فرأى عظمة ربه عز وجل بفؤاده ولم يراها بعينه عظمة له فكان كقاب قوسين بينه وبينهما أو ادنى فأوحى الى عبده ما اوحى فكان فيما اوحى الله الاية التي في سورة البقرة وقوله تعالى الله ما في السموات وما في الارض الاية تمام الحديث منه

(۱۱۷)

مفاتيح البحث: الإمام جعفر بن محمد الصادق عليهما السلام (۱)، الرسول الأكرم محمد بن عبد الله صلى الله عليه وآله (۲)، الإمام أمير المؤمنين علي بن ابي طالب عليهما السلام (۱)، النبي سليمان عليه السلام (۱)، المسجد الأقصى (۱)، سورة البقرة (۱)، مسجد الحرام (۱)

صفحه ۲۹

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۱۸

ثم نصرته بالرعب وحففته بجبرئيل و پس يارى كردى او را به ترس و گرد در آوردى او را جبرائيل و ميكائيل والمسومين من ملائكتك ووعدته ان ميكائيل و نشان كنندگان از فرشتگان و وعده داده او را تظهر دينه على الدين كله ولو كره كه غالب گردانى بر همه دين همه اش و اگر چه دشوار داشته باشند آن كسانى كه المشركون هم باز با خداى تعالى آورده اند قوله (عليه السلام) ثم نصرته بالرعب كما فى سورة الاحزاب وانزل الذين ظاهروهم من اهل الكتاب من صياصيههم وقذف فى قلوبهم الرعب فريقا تقتلون وتاسرون فريقا وفى المصادر الحف كرد بر گرد در گرفتن و يعدى الى المفعول الثانى بالباء و گرد چیزی در آمدن وفى الصحاح ايل اسم من اسماء الله عبرانى أو سريانى وقولهم جبرئيل وميكائيل انما هما كقولهم عبد الله وتيم الله وفيه ومعنى تيم الله واصله من قولهم تيمه الحب أى عبده وذلك فهو متيم وفيه قوله تعالى مسومين قال الا-خفش يكون معلمين ويكون مرسلين من قولك سوم فيها الخيل أى ارسلها ومنه السائمة الى قوله وقوله تعالى حجارة من طين مسومة عليها مثل الخواتيم الى قوله وسومت على القوم إذا اغرت عليهم فعثيت

(۱۱۸)

مفاتيح البحث: سورة الأحزاب (۱)، أهل الكتاب (۱)

صفحه ۳۰

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۱۹

فيهم ولعل الاظهر المعنى الاول ثم الاخير وذلك الاعلام كما وقع على اصحاب الفيل ارسل عليهم طيرا اباييل كل طير في منقاره حصاة مثل حصاة الخذف أو دون حصاة الخذف حتى لما صاروا فوق رؤسهم القت الحصاة فوقت كل حصاة على هامة رجل فخرجت من دبره فقتلته فما انفلت منهم الا- رجل واحد يخبر الناس فلما ان اخبرهم القت عليه حصاة فقتلته كما في حديث في عن الصادق (عليه السلام) وفي روضته في الصحيح عن ابي جعفر (عليه السلام) قال سألته عن قول الله تعالى وارسل عليهم طيرا اباييل ترميهم بحجارة من سجيل قال كان طير ساف جائهم من قبل البحر رأسها كامثال رأس السباع واطفارها كاظفار السباع من الطير مع كل طائر ثلثة احجار في رجله حجران وفي منقاره حجر فجعلت ترميهم بها حتى جدرت اجسامهم فقتلتهم بها وما كان قبل ذلك رأى شئ من الجدرى ولا رأى من ذلك الطير قبل ذلك اليوم ولا بعده قال ومن افلت منهم ح انطلق حتى إذا بلغوا حضر موت وهو واد دون اليمن ارسل الله عليهم سيلا فغرقهم اجمعين وما رأى في ذلك الوادى ماء قط قبل ذلك بخمس عشر سنة قال فلذلك سمى حضر موت حين ماتوا فيه قوله (عليه السلام) ساف بالتضعيف أى دان من الارض وبالتخفيف أى سرع ويمكن الجمع بين الحديثين فتدبر. وذلك بعد ان بوئته مبعوث و اين پيش و مبعوث کردن بعد از آن بود که جای داده او را

(۱۱۹)

مفاتيح البحث: الإمام محمد بن علي الباقر عليه السلام (۱)، الإمام جعفر بن محمد الصادق عليهما السلام (۱)

صفحه ۳۱

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۲۰

صدق من اهله وجعلت له ولهم اول بيت منزل صدق از اهلش و قرار داده بودى از برای او و از برای اهلش اول خانه که وضع للناس للذى بيكته مباركا گذارده شده است از برای مردمان آن چنان خانه که به مکه است در حالتی که مبارک است وهدى للعالمين فيه آيات بينات و راهنمائی مرعالميان است در آن خانه نشانهای روشنیها است مقام ابراهيم ومن دخله كان آمنا مقام ابراهيم و هر کس داخل شده در آن خانه باشد ايمن اصل البوء الرجوع قال الله تعالى وبأؤ بغضب من الله والمبوء المنزل باعتبار انه يرجع إليه وفي الصحاح وبوأت للرجل منزلا- وبوأتة منزلا- بمعنى أى هيئاته ومكنت له فيه وفي المصادر التبوئه والتبوء كسى را جای فرود آوردن ويعدى الى المفعول الثانى باللام وبنفسه وهذا هو الصحيح يدل عليه قوله تعالى لنبوئتهم من الجنة غرفا وبوأننا بنى اسرائيل مبعوث صدق واسناد المبعوث الى الصدق اما للدلالة على انه محله واما تلميحاً الى دعوة ابراهيم (عليه السلام) واجعل لى لسان صدق فى الاخرين والمعنى وذلك التقديم وما عطف عليه بعد ان مكنت له من اهله وجعلت له ولاهله اول بيت شرع لانتفاع الناس واعلم ان الاية كذا ان اول بيت وضع للناس الى آخرها فاللام فى للذى بالفتح

(۱۲۰)

مفاتيح البحث: النبي إبراهيم (ع) (۱)، مدينة مكة المكرمة (۱)، التصديق (۳)، الصدق (۱)

صفحه ۳۲

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۲۱

لام التأكيد التي تدخل على خبران واسمها اولا وفي عبارة الدعاء وقع اسمها مفعولا به لجعلت والجعل بمعنى الايجاد والوضع المتعدى الى واحد فالخبر وقع باللام ممكنا بدلا عن المفعول أو اللام فيها لام الابتداء الداخلة على المبتداء محذوفا أى لهو.

ثم اعلم ان لهذه الایة ظهرا وبطنا اما الظهر فقد روى الحلبي في الحسن براهيم عن ابي عبد الله (عليه السلام) قال سألته عن قوله الله عز وجل ومن دخله كان آمنا قال إذا حدث العبد في غير الحرم جنایة ثم فر الى الحرم لم يسغ لاحد ان يأخذه في الحرم ولكن يمنع من السوق ولا- يبايع ولا يطعم ولا يسقى ولا يكلم فانه إذا فعل ذلك يوشك ان يخرج فيؤخذ وإذا جنى في الحرم جنایة اقيم عليه الحد في الحرم لانه لم يرع للحرم حرمة وقد عمل بمضمونها الاصحاب رضوان الله عليهم وعلى هذا فالبيت بيت الله الحرام والاولیة باعتبار ان الكعبة اول ما خلقت من الارض ثم دحيت من تحتها ويحتمل التعظيم والشفافة والمقام مقام ابراهيم المشهور وفيه فقيه واما قول الله عز وجل فيه آيات بينات مقام ابراهيم فاحد بها ان ابراهيم (عليه السلام) حين قام على الحجر اثر قدمه فيه والثانية الحجر والثالثة منزل اسمعيل (عليه السلام) واما البطن ففي الاحتجاج ان الصادق (عليه السلام) قال لابي حنیفة لما دخل عليه من انت قال أبو حنیفة قال (عليه السلام) مفتی اهل العراق قال نعم قال بم فتیهم قال بكتاب الله عز وجل قال فانك لعالم بكتاب الله عز وجل ناسخه ومنسوخه ومحكمه ومتشابهه قال نعم قال فاخبرني عن قول الله عز وجل وقدرنا فيها السير سيروا فيها ليالي و (۱۲۱)

مفاتيح البحث: الإمام جعفر بن محمد الصادق عليهما السلام (۱)، النبي إبراهيم (ع) (۱)، النبي اسماعيل على السلام (۱)، دولة العراق (۱)، المنع (۱)، الطعام (۱)

صفحه ۳۳

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۲۲

اياما امنين أى موضع هو قال أبو حنیفة هو ما بين مكة ومدينة فالتفت أبو عبد الله (عليه السلام) الى جلسائه وقال انشدكم بالله هل تسيرون بين مكة ومدينة ولا تأمنون على دمائكم من القتل وعلى اموالكم من السرقة قالوا اللهم نعم فقال أبو عبد الله (عليه السلام) ويحك يا ابا حنیفة ان الله عز وجل لا يقول الا حقا اخبرني عن قول الله عز وجل ومن دخله كان آمنا أى موضع هو قال ذلك بيت الله الحرام فالتفت أبو عبد الله (عليه السلام) الى جلسائه وقال انشدكم بالله هل تعلمون ان عبد الله بن الزبير وسعيد بن جبیر داخلان فلم يأمننا للقتل قالوا اللهم نعم فقال أبو عبد الله (عليه السلام) ويحك يا أبو حنیفة ان الله عز وجل لا يقول الا حقا وفي في الروضة مسندا عن زيد الشحام قال دخل قتادة بن دعامة على ابي جعفر (عليه السلام) فقال يا قتادة انت فقيه اهل البصرة فقال هكذا يزعمون فقال أبو جعفر (عليه السلام) بلغني انك تفسر القرآن فقال قتادة نعم فقال له أبو جعفر (عليه السلام) فان كنت تفسره بعلم فانت انت وانا اسألك قال قتادة سل قال اخبرني عن قول الله عز وجل في سبا وقدرنا فيها السير سيروا فيها ليالي واياما امنين فقال قتادة ذاك من خرج من بيته بزاز وراحله وكراء حلال يريد هذا البيت كان آمنا حتى يرجع الى اهله فقال أبو جعفر نشدتك بالله هل تعلم انه قد يخرج الرجل بزاز حلال وكراء حلال يريد هذا البيت فتقطع عليه الطريق فيذهب نفقته ويضرب مع ذلك ضربة فيها اجتياحه فقال قتادة اللهم نعم فقال أبو جعفر (عليه السلام) ويحك يا قتادة ان كنت انما فسر القرآن من تلقاء نفسك فقد هلك (۱۲۲)

مفاتيح البحث: الإمام محمد بن علي الباقر عليه السلام (۴)، مدينة مكة المكرمة (۲)، سعيد بن جبیر (۱)، عبد الله بن الزبير (۱)، أبو عبد الله (۴)، مدينة البصرة (۱)، زيد الشحام (۱)، القرآن الكريم (۲)، القتل (۱)

صفحه ۳۴

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۲۳

واهلك وان كنت قد اخذته من الرجال فقد هلكت واهلكت ويحك يا قتادة ذلك من خرج من بيته بزاز حلال وراحله وكراء حلال

يروم هذا البيت عارفا بحقنا يهوانا قلبه كما قال تعالى واجعل افئدة من الناس تهوى إليهم ولم يعن البت فيقول الله نحن والله دعوة ابراهيم التي من هوانا قلبه قبلت حجته والا فلا يا قتادة فإذا كان كذلك كان آمنا من عذاب جهنم يوم القيمة قال قتادة لا جرم والله لا فسرتها الا هكذا فقال أبو جعفر (عليه السلام) ويحك يا قتادة انما يعرف القرآن من خوطب به وعلى هذا فالبيت بيت نبوة خاتم النبيين (صلى الله عليه وآله) واوليته باعتبار انه كان نبيا و آدم بين الماء والطين أو للتعظيم كالأول ومقام ابراهيم منزلة امامته والايات الائمة الاثني عشر عليهم السلام القائمون مقام ابراهيم كما قال الله تعالى ام يحسدون الناس على ما اتيهم الله من فضله فقد آتينا آل ابراهيم الكتاب والحكم والنبوة كما فسرت به في مواردنا في الحديث كثيرا ثم لا يخفى ان قوله تعالى هدى الصق بهذا المعنى منه بالمعنى الاخر فان بيت الله الحرام هو المهدي به وجعله هاديا يفتقر الى تجشم فافهم وبالجملة هذا المعنى هو المراد في المقام فانه (عليه السلام) بصدد ذكر جملة مما يدل على امامتهم عليهم السلام كما ينصرح مما يتلوها والعطف يستدعي المناسبة الملائمة فتدبر فقلت انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس

(۱۲۳)

مفاتيح البحث: الإمام محمد بن علي الباقر عليه السلام (۱)، القرآن الكريم (۱)

صفحه ۳۵

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۲۴

و گفته که نمیخواهد خدا مگر ببرد از شما پلیدی گناه را ای اهل بیت نبوت اهل بیت ویطهرکم تطهیرا و پاک گرداند شما را پاک گردانیدنی لا یخفی ان الرجس فی الایة انما هو الاثم وهو معنی شایع له فی الایات والاخبار والمحاورات کلها اصله علی التشبیه ومما يدل علیه ان ارادة اذهاب النجس بالنسبة الى المكلفین جميعا ولا- اختصاص لها باهل البيت عليهم السلام بل النجس مما لا يمكن ذهابه بالكلية كما هو الظاهر من الایة ثم لا معنى لا سناد اذهابه وتطهيره الى الله وانما المذهب والمطهر هو المكلف أو الماء مثلا وانما امر الله تعالى بالازالة والتطهير والامر غير الفاعل بخلاف العصمة من الذنوب فانه لطف منه سبحانه في المواد القابلة له وهو العاصم وانهم عليهم السلام معصومون قال السيد ره في الشافي فاما وجه دلالتها على العصمة فهو ان قوله تعالى انما يريد الله لا يخلو من ان يكون معناه الارادة التي لم يعقبها الفعل واذهاب الرجس أو ان يكون اراد ذلك وفعله فان كان الاول فهو باطل من وجوه لان لفظ الایة يقتضي اختصاص اهل البيت بما ليس لغيرهم الا ترى انه قال انما يريد الله وهذا للفظة يقتضي ما ذكرناه من التخصيص الا ترى ان القائل إذا قال انما العالم فلان وانما الجواد حاتم وانما لك عندي درهم فكلامه يفيد التخصيص الذي ذكرناه و ارادة الطهارة من الذنوب من غير ان يتبعها فعل لا يخصص اهل البيت بها بل الله يريد من كل مكلف مثل ذلك

(۱۲۴)

مفاتيح البحث: النجاسة (۲)، الجود (۱)، الطهارة (۲)

صفحه ۳۶

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۲۵

وايضا فان الایة تقتضي مدح من تناولته وتشريفه وتعظيمه بدلالة ما روى من ان النبي (صلى الله عليه وآله) لما جلت عليا وفاطمة والحسن والحسين عليهم السلام بالكساء قال اللهم هؤلاء اهل بيتي فاذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا فنزلت الایة وكان ذلك في بيت ام سلمه ره فقالت له (صلى الله عليه وآله) الست اهل بيتك فقال لها انك على خير وصورة الحال وسبب نزول الایة تقتضيان المدحة والتشريف ولامدحة ولا تشريف في الارادة المحضة التي تعم سائر المكلفين من الكفار وغيرهم انتهى كلامه رفع مقامه وقال

مولانا محمد صالح مازندارنى فى شرحه للكافى نفى الرجس عنهم على وجه المبالغة حيث اكد ذلك بوجوه الاول انما الدالة على الحصر والتأكيد الثانى لام التأكيد فى ليذهب الثالث لفظ الا ذهاب الدال على الازالة الرابع التعريف بلام الجنس الذى يستلزم نفى نفى جميع جزئياته الخامس الاتيان بالمضارع الدال على الاستمرار السادس تقديم الظرف على المفعول الدال على كمال العناية والاختصاص السابع الاتيان باهل البيت لا باسمائهم تعظيماً لهم الثامن النداء على وجه الاختصاص التاسع الاتيان بالتطهير الدال على التنزيه عن كل دنس العاشر الاتيان بالمصدر تأكيداً وجعلت اجر محمد صلواتك عليه وآله و گردانىدى مزد محمد را رحمتهاى تو بر او باد و بر آل او مودتهم فى كتابك فقلت قل لا اسالكم عليه دوستى ايشان را در كتاب تو پس گفته كه بگو يا محمد سؤال نميكنم شما را (۱۲۵)

مفاتيح البحث: الإمام الحسين بن علي سيد الشهداء (عليهما السلام) (۱)، الرسول الأكرم محمد بن عبد الله صلى الله عليه وآله (۱)، السيدة أم سلمة بن الحارث زوجة الرسول صلى الله عليه وآله (۱)

صفحه ۰۳۷

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۲۶

اجرا الا- المودة فى القربى وقلت بر تبليغ يعنى رسانيدن آداب دين مزدى مگر دوستى در خویشان و گفته كه ما سألتكم من اجر فهو لكم وقلت ما أسألکم آنچه سؤال ميكنم شما را از مزد پس آن از برای شماست و گفته كه سؤال نميكنم شما را عليه من اجر إلا من شاء أن يتخذ الى ربه بر تبليغ رسالت از مزدى مگر آن كسى را كه خواسته است اين را كه قرار گيرد به سوى سبيلا فكانوا هو السبيل اليك والمسلك پروردگارش راهى پس هستند اهل بيت ايشان را به سوى تو و محل سلوك الى رضوانك فى الصحاح والقراية القربى فى الرحم وهو فى الاصل به سوى خشنودى تو مصدر تقول بينى وبينه قرابة وقرب وقربى ومقربة ومقربة وقربة وقربة انتهى فان قصد به المشتق ففى للظرفية أى المودة الحاصلة فى شأن الاقرباً وان اريد المصدر ففى للسببية وقوله ما سئلتكم أى فرضاً فهو لكم حتى تطمئنوا بانى مستغن عنه فلتست بسائل له اصلاً ثم ذكر الاية التاليتة لاجل ان يتضح بها معنى الاولى بل الاولى على ما عرفت أو يعم ماثل المستتر فى الاولى ويكون هو مصداق أى المودة انما ينفعكم وان العمدة فى المودة اتخاذهم سبلاً الى الرب والايتمام بهم عليهم السلام فالمودة مودة خاصة كالقربى وفى فى عن عمر بن يزيد قال قلت لابي عبد الله (عليه السلام) الذين يصلون ما امر الله ان يوصل قال نزلت فى رحم آل محمد عليه (۱۲۶)

مفاتيح البحث: يوم عرفه (۱)، المودة فى القربى (۱)، عمر بن يزيد (۱)

صفحه ۰۳۸

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۲۷

وآله السلام وقد يكون فى قرابتك ثم قال فلا تكونن ممن يقول للشئ انه فى شئ واحد والفرق بين السبيل والمسلك انه اعتبر فى المسلك السلوك اما السبيل فان المعتبر فى مفهومه العرفى انما هو صحته والى رضوانك شرح لايك فالعطف كالتفسير فلما انقضت ايامه اقام وليه پس چون گذشت روزهاى او برپا داشت وصى او را على بن ابى طالب صواتك عليهما وآلهما على بن أبى طالب رحمتهاى تو بر آن حضرت و بر آن حضرت و بر آل آن هاديا إذ كان هو المنذر و در حالتى كه على راه نماينده بود زیرا كه بود آن حضرت (عليه السلام) آن كسى كه ترساننده است ولكل قوم هاد فقال والملا و از برای هر قومى راه نماينده است پس گفت در

حالتی که گروه امامه من کنت مولاه فعلى مولاه امت پیش او بود من کنت مولاه الخ یعنی هر کس که من بودم مولای او پس علی مولای اوست اللهم وال من والاه وعاد خداوندا دوست باش آن کسی را که دوستی میکند او را و دشمن باش من عاده وانصر من نصره آن کسی را که دشمنی میکند او را و یاری کن آن کسی را که یاری میکند او را واخذل من خذله الظاهر ان الضمير فى ووليه غايد و واگذار آن کسی را که وامیگذارد او را

(۱۲۷)

مفاتيح البحث: علی بن ابی طالب (۲)

صفحه ۳۹۰

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۲۸

الى الله تعالى ويحتمل الرسول (صلى الله عليه وآله) وقوله (عليه السلام) إذ كان هو المنذر تلميح الى قوله تعالى انما انت منذر ولكل قوم هاد فهاد مبتداء مصداقه على (عليه السلام) كما فى الحديث وعلى لكل قوم هاد أو عام فى الاثنى عشر جميعا والقول فى حجة الوداع فى غدیر خم كما هو المتواتر بين المسلمين جميعا المخالف والمؤلف كحديث الثقلين وحديث الطائر وما سينتاتي من حديث المنزلة الى غير ذلك مما قرر فى مقره وفى الخطبة لأمير المؤمنين (عليه السلام) فى الروضة وقوله (صلى الله عليه وآله) حتى تكلمت طائفة فقالت نحن موالى رسول الله (صلى الله عليه وآله) فخرج رسول الله (صلى الله عليه وآله) الى حجة الوداع ثم صار الى غدیر خم فامر فاصطاح له شبه المنبر ثم علاه فاخذ بعضدى على (عليه السلام) حتى رأى بياض بطيه رافعا صوته قائلا فى محفله من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وكانت على ولايتى ولاية الله وعلى عداوتى عداوة الله وانزل الله تعالى فى ذلك اليوم اكملت لكم دينكم واتممت عليكم نعمتى ورضيت لكم الاسلام دينا فكانت ولايتى كمال الدين ورضى الرب تعالى وانزل الله تعالى اختصاصا بى وتكرمه وتحليته واعظا ما وتفضيلا من رسول الله (صلى الله عليه وآله) متحدياً وهو قوله تعالى ثم ردوا الى الله مولاهم الحق الاله الحكم وهو اسرع الحاسبين تمام الخطبة وتفصيل احوال واقعة الغدير فى اوائل كتاب الاحتجاج فليطالع وقال من كنت انا نبيه فعلى امره و گفته است هر که بودم من پیامبر او پس علی فرمانروای اوست

(۱۲۸)

مفاتيح البحث: الإمام أمير المؤمنين على بن ابى طالب عليهما السلام (۳)، الرسول الأكرم محمد بن عبد الله صلى الله عليه وآله (۴)، حديث المنزلة (۱)، آية الإكمال (۱)، حديث الثقلين (۱)، حجة الوداع (۲)، غدیر خم (۲)، الطیران، الطیر (۱)

صفحه ۴۰

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۲۹

وقال انا وعلى من شجرة واحده وسائر الناس و گفته است که من و على از درختيم يکى و باقى مردمان من شجر شتى شتى أى المتفرق كما يظهر من الصحاح و از درختى اند پراکنده ورود جمعه على هذا الميزان دال على ان التفرق نقص فانه جمع لما هو كذلك كالمرضى والقتلى والحمقى ولعل المعنى بالواحدة ليس المعنى الذى تفيدته التاء بمعنى الوحدة الظاهرية التى مناطها التشخيص الواحدانى بحسب الوجود العينى بل الواحدة الذاتية الواقعية المعنوية التى تشبه ان يكون مضمونه ما فى الزيارة الجامعة عطا على ما عامله اشهد وان ارواحكم ونوركم وطينتكم واحدة طابت وطهرت بعضها من بعض و على هذا قوله (عليه السلام) شتى وصف لشجرة باعتبار الكثرة المقابلة لهذا الوحدة فلا يصاده التاء بل يساعده المعنى المقصود وقرينه عليه ويمكن ايضا ان يقال انها وصف لشعبات واغصانها المختلفة قال زهير كان عيني فى عزبي مقتله من النواضح تسقى جنه سحقا فوصف الجنة بالسحق وهو جمع سحوق

الطويل من النخل باعتبار الاغصان أو الاشجار فان الجنة في الاصل المره من الجن بمعنى الستر ثم نقل الى الشجر المظلال لا لتفاف اغصانه ثم البستان لما فيه من الاشجار المظلمة ووحدها انما هي باعتبار المعنى الاول وهي في البيت بمعناه الثاني وان يقال الوحدة هي الجنسية والوصف باعتبار كثرة الافراد الشخصية وفي الاحتجاج عنه (عليه السلام) انشدتكم بالله هل

(۱۲۹)

مفاتيح البحث: الزيارة الجامعة للأئمة عليهم السلام (۱)، القتل (۱)

صفحه ۴۱

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۳۰

فيكم قال رسول (صلى الله عليه وآله) الناس من اشجار شتى وانا وانت من شجرة واحدة غيرى واحله محل هرون من موسى فقال له انت و فرود آورد آن حضرت را بجای هرون از موسى پس گفت از برای او تو منى بمنزله هرون من موسى الا انه لا نبى بعدى از من به منزله هارونى از موسى مگر آنکه شأن این است پیغمبرى بعد من وزوجه ابنته سیده نساء العالمين واحل له من و به زنى داد او را دخترش بهتر و مهتر زنان عالميان و جلال گردانيد از مسجده ما حل له وسد الابواب الا بابه برای از مسجدهش آنچه حلال بود از برای او و استوار گردد درها را مگر در او المنزله اما اسم محل أو مصدر ميمى والباء على الاول بمعنى فى وعلى الثانى للملابسته أى بهذا النوع ومن موسى متعلق بالمنزله ومنى تعلق بنازل محذوفاً بالقرينه والضمير فى انه للشان ومفهوم قوله (عليه السلام) لا نبى بعدى جرى على الفرض أى انه بحيث لو كان بعده لكان نيبا كما كان معه كما يدل عليه قوله تعالى واشركه فى امرى وقوله تعالى ووهبنا له من رحمتنا اخاه هرون نيبا وذلك لانه توفى قبل موسى (عليه السلام) - ۱ - وفى الصحاح وحل لك الشئى يحل حل وحلالا وهو - ۱ - أو المنزله اعم من الخلافة المطلقة فى زمن المستخلف وبعده واشير بالاستثناء الى ان ذلك له (عليه السلام) بعده كما اشير به الى شمولها للإمامة أو معنى بعدى بعد تحقق موتى وفى الخطبة فى الروضة واختصنى بوصيته واصطفانى بخلافته فى امته فقال وقد حشده المهاجرون والانصار =

(۱۳۰)

مفاتيح البحث: الإمام موسى بن جعفر الكاظم عليهما السلام (۱)، الرسول الأكرم محمد بن عبد الله صلى الله عليه وآله (۱)، السيدة فاطمة الزهراء سلام الله عليها (۱)، المهاجرون والانصار (۱)

صفحه ۴۲

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۳۱

حل أى طلق ومثله فى المصادر فيها السد رخنه استوار کردن ثم اودعه علمه وحكمته فقال انا مدينة العلم پس سپرد او را علمش و حکمتش را پس گفت من خانه علمم على بابها فمن اراد المدينة والحكمة فليأتها و على در خانه است پس هر که خواهد خانه علم و حکمت را پس باید خانه را من بابها ثم قال له انت اخى ووصيى ووارثى از درش پس گفت از برای او تو برادر منى و وصى منى و وارث منى لحمك من لحمى ودمك من دمى وسلمك گوشت تو از گوشت من است و خون تو از خون من است و آشتى کننده تو =

واتعصت بهم المحافل ايها الناس ان عليا منى كهرون من موسى الا انه لانبى بعدى فعقل المؤمنون عن الله النطق الرسول أو عرفونى انى لست باخيه لايه واهه كما كان هرون اخا موسى لايه واهه ولا كنت نيبا فاقضى نبوه ولكن كان منه استخلافا لى كما استخلف موسى هرون صلوات الله عليهما حيث يقول اخلفنى فى قومى واصلح ولا- تتبع سبيل المفسدين وفى الاحتجاج على ابى بكر قال

فانشدك بالله انت الذي امرك رسول الله (صلى الله عليه وآله) بفتح بابه من المسجد عند ما امر بسد ابواب جميع اهل بيته واصحابه واحل لك فيه ما احل الله لك ام انا قال بل انت وفي احتجاج عمار وفرق ظاهر قد عرفتموه وعلمتموه في حال بعد حال عن سد النبي (صلى الله عليه وآله) ابوابكم التي الى المسجد كلها غير بابه منه (۱۳۱)

مفاتيح البحث: الوراثة، التراث، الإرث (۱)، الرسول الأكرم محمد بن عبد الله صلى الله عليه وآله (۲)، السجود (۲)

صفحه ۴۳

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۳۲

سلمی و حربک حربی ایمان مخالط آشتی کننده من است و کارزار کننده تو کارزار کننده من است و ایمان لحمک و دمک كما خالط لحمی و دمی آمیزنده است گوشت ترا و خون ترا همچنان که آمیخته است گوشت مرا و خون مرا و انت غدا علی الحوض خلیفتی و انت تقضی و تو فردا بر حوض جانشین منی و تو میدهی و ام مرا دینی و تنجز عداتی و راست میکنی و عده های مرا قوله (علیه السلام) من بابها كما قال الله تعالی و أتو البيوت من ابوابها ومنه يظهر ان اعتقاد النبوة من دون الامامة ليس على وجهه فهو كان لم يكن كالتوحيد من دون النبوة فان وحدة الذات تقتضي الوحدة من جميع الجهات ولا يجامع وحدة العبد واستقلاله في الامور في فعاله ايضا فان الامر بين الامرين كما في الحديث وفي الاحتجاج قال انشدتكم بالله هل فيكم احد قال له رسول الله انت اخي ووزيري وصاحبي من اهلي غيري وفي اعتقادات الصدوق عليه الرحمة قال الشيخ أبو جعفر ره اعتقادنا في الحوض انه حق وان عرضه ما بين ابله و صنعاء وهو للنبي (صلى الله عليه وآله) وان فيه من الابرار عدد نجوم السماء وان الوالي عليه يوم القيمة امير المؤمنين على بن ابي طالب (عليه السلام) يسقى منه اوليائه ويزود عنه اعدائه ومن شرب منه شربة لم يظمأ بعده ابدًا وقال النبي (صلى الله عليه وآله) وليختلجن قوم من اصحابي دوني وانا على الحوض فيؤخذ بهم ذات الشمال (۱۳۲)

مفاتيح البحث: الإمام أمير المؤمنين على بن ابي طالب عليهما السلام (۱)، الرسول الأكرم محمد بن عبد الله صلى الله عليه وآله (۲)، الشيخ الصدوق (۱)

صفحه ۴۴

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۳۳

فانادی یا رب اصحابی اصحابی فيقال لی انک لا تدري ما احدثوا بعدک انتهى و ابله بضم اولها و تشديد الباء قرية بالبصرة والصنعاء موضع باليمن كثير الاشجار وهل هو عين الكوثر ام غيره الظاهر الاول والله يعلم وشيعتك على منابر من نور مبيضة وجوههم وشيعه تو بر منبرهائی انداز نوردر حالتی که سفید شونده است روهای ایشان حولی فی الجنة وهم جیرانی ولولا انت در پیرامون من در بهشت در حالتی که ایشان همسایگان من اند و اگر نه تو یا علی لم يعرف المؤمنون بعدی و كان بودی ای علی نشناخته بودند مؤمنان بعد من و حال آنکه بود علی بعده هدی من الضلالة و نورا من العمی بعد آن حضرت راه راست گرفتن را از گمراه شدن و روشنی را از کوری و جبل الله المتین و صراطه المستقیم و رشته خدا را که محکم است و راه خدا را که راست است فی احتجاج امیر المؤمنین (علیه السلام) علی القوم لما مات عمر كما فی الاحتجاج قال فهل فيكم احد قال له رسول الله (صلى الله عليه وآله) ترد على الحوض انت وشيعتك رواء مرويين مبيضة وجوههم ويرد عدوك ظماء مظمئين متمحين مسودة وجوههم غيري قالوا لا وفي حديث الغدير فی الاحتجاج عن رسول الله (صلى الله عليه وآله) معاشر الناس اتقوا الله حق تقاته ولا تموتن الا وانتم مسلمون واعتصموا بحبل الله جميعا

ولا تفرقوا وحبل الله هو على بن ابي طالب وفيه انا صراط الله المستقيم الذي امركم باتباعه ثم على من بعدى ثم ولدى من صلبه ائمة يهدون بالحق وبه يعدلون
(۱۳۳)

مفاتيح البحث: الإمام أمير المؤمنين على بن ابي طالب عليهما السلام (۱)، الرسول الأكرم محمد بن عبد الله صلى الله عليه وآله (۲)، على بن ابي طالب (۱)، حديث الغدير (۱)، الموت (۱)

صفحه ۴۵

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۳۴

ثم قرء الحمد لله رب العالمين الى آخرها وقال فى نزلت ولى ولهم عمت واياهم خصت قوله (عليه السلام) وكان بعده جملة اعتراضية أو حالية وهدى مفعول يعرف وكان تامه أو هو خبر لكان مع ذلك على التنازع واما الخبرية فقط فبعيد ومضى لم يعرف على الحكاية وامتشا الا بياض مضمون احد الطرفين على سبيل منع الخلوا ومبتداء من فضل الله تعالى لا يسبق بقراءة فى رحم ولا بسابقة فى پیشى گرفته نمیشود به سبب نزدیکی در خویشی و نه به سبب در دين ولا يلحق فى منقبه من مناقبه يحذو حذو دين و رسیده نمیشود در هنرى از هنرايش برابرى ميکنند مثل برابرى الرسول صلى الله عليهما وآلهما ويقاقل کردن پیغمبر رحمت فرستد خدا بر هر دو و بر آل هر دو و جنگ ميکنند على التأويل ولا تأخذه فى الله لومه لائم به سبب بازگشتن آيه و فرا نمیگیرد او را در راه خدا سرزنش سرزنش کننده جمله مستانفه ولبیان فضيلته (عليه السلام) أى هو لا يسبق أو خبر بعد خبر لكان على الاحتمال فان قيل عباس اقرب قلنا هو عم لاب ولا ترث مع ابن عم لاب وام وفى نهج البلاغه ويا عجباه اتكون الخلافة بالصحابة ولا تكون بالصحابة والقراءة وروى له شعر فى هذا المعنى فان كنت بالشورى ملكت امورهم فكيف بهذا والمشرون غيب وان كنت بالقربى حجبت خصيمهم فغيرك اولى بالنبي واقرب ففيه لما انتهت إليه (عليه السلام) انباء السقيفة قال (عليه السلام) ما قالت الانصار قالوا منا امير ومنكم امير (عليه السلام) فهلا احتججتم
(۱۳۴)

مفاتيح البحث: كتاب نهج البلاغه (۱)، السقيفة (۱)، المنع (۱)

صفحه ۴۶

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۳۵

عليهم بان رسول الله (صلى الله عليه وآله) وصى بان يحسن الى محسنهم ويتجاوز عن سيئهم قالوا وما فى هذا من الحجة عليهم فقال (عليه السلام) لو كانت الامارة فيهم لم تكن الوصية بهم ثم قال (عليه السلام) فماذا قالت قريش قالوا احتجت بانها شجرة الرسول (صلى الله عليه وآله) فقال (عليه السلام) احتجوا بالشجرة واضاعوا الثمرة والسابقة يحتمل المصدر كالعاطفه كما يلائمه العطف وانه اسبق الرجال اسلاما كما ان خديجة عليها السلام اسبق النساء اسلاما وقوله (عليه السلام) ويقاقل على التأويل أى على ما تأول إليه الاية وان لم يكن صريح تنزيلها والجملة بيان لحذوه (عليه السلام) يوضح ذلك ما فى يب فى حديث اورده قبل يب مقدار الجزية عن الصادق (عليه السلام) قال الله تعالى وان طائفتان من المؤمنين اقتتلوا فاصلحوا بينهما فان بغت احديهما على الاخرى فقاتلوا التى تبغى حتى تفنى الى امر الله فلما نزلت هذه الاية قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) ان منكم من يقاقل بعدى على التأويل كما قاتلت على التنزيل فسئل النبي (صلى الله عليه وآله) من هو فقال هو خاصف النعل يعنى امير المؤمنين (عليه السلام) وقال عمار بن ياسر قاتلت بهذه الاية مع رسول الله (صلى الله عليه وآله) ثلثا فهذه الرابعة وبالجملة القتال على التأويل قتال اهل البغى كما سيفصل فان الاية

لم تنزل فيهم فانهم لم يكونوا ح بل صاروا بعد ثرولها مصداقا لها فآلت إليهم وفي المصدو الحدو نعلين برابر کردن با پای و جز آن و در برابر کسی نشستن و در برابر چیزی افتادن (۱۳۵)

مفاتيح البحث: أهل بيت النبي صلى الله عليه وآله (۱)، الإمام أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليهما السلام (۱)، الإمام جعفر بن محمد الصادق عليهما السلام (۱)، أم المؤمنين خديجة بنت خويلد عليها السلام (۱)، الرسول الأكرم محمد بن عبد الله صلى الله عليه وآله (۴)، عمار بن ياسر (۱)، القتل (۴)

صفحه ۴۷

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۳۶

قد وتر فيه صناديد العرب وقتل ابطالهم بتحقيق كينه ور کرد در راه خدا مهتران عرب را و کشت دلیران ایشان را و ناوش ذؤبانهم فودع قلوبهم احقادا بدرية و نزدیک شد گرگهای ایشان پس سپرد دل‌های ایشان را کینهائی که در جنگ بدر بهم رسیده و خبیریه و حنینیه و غیرهن فاضبت علی و کینهائی که در جنگ خبیر بهم رسیده و کینهائی که در جنگ حنین بهم رسیده و کینهائی عداوته و اکبت علی مبارزته که در غیر این حربها رسیده ز کینه در دل گرفتند و بستند بر دشمنی آن حضرت حتی قتل الناکثین والقاسطین و المارقین و رو آوردند بر بیرون شدن با آن حضرت به جنگ تا آنکه کشت اصحاب بصره را و اصحاب صفین را و اصحاب نهروان را و فی المصدر الوتر والتره کینه ور کردن و فی الصحاح الموتر الذی قتل له قتیل فلم یدرک بدمه یقول منه وتره تیره و ترا وتره و كذلك وتره حقه ای نقصه و قوله تعالی ولن یرکم اعمالکم ای لن ینقصکم فی اعمالکم و الصنادید جمع صنادید بالکسر یعنی مهتر و داهیه کما فی المهدب و فی المصدر المناوشة نزدیک شدن دو لشکر به یکدیگر چنانچه یکدیگر را رجم توانند زد و فیها الاضباب کینه در دل گرفتن و فیها الاکباب بر روی اوفندن و اقبال کردن بر کاری و فیها المبارزة و البراز با کسی به جنگ بیرون شدن و فی بعض النسخ من بذاته و المبادئة با کسی آشکار جنگ کردن و دشمنی کردن (۱۳۶)

مفاتيح البحث: خبیر (۱)، القتل (۳)

صفحه ۴۸

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۳۷

و الناکثون الذین با بعده بالمدينة و نکثوا العهد بالبصرة عمدتهم طلحة و الزبیر حیث غرا عایشة لعنهم الله جمیعا و القاسطون من القسوط بمعنی الجور اصحاب صفین من معویة و اصحابه الشامیین و المارقون اصحاب نهروان الذین قالوا لا حکم الا لله بعد تعیین الحکمین ابی موسی و عمرو بن العاص للصلح فی حرب صفین و مرقوا من الذین کما یمرق السهم من القوس و إذا یقال لهم الخوارج و قوله (علیه السلام) حتی قتل معناه حتی تحقق مضمون هذا الخبر من الرسول (صلى الله عليه وآله) له (علیه السلام) کما هو المشهور من ذلك ما فی الاحتجاج عن ابی محمد الحسن العسکری (علیه السلام) ثم قال معاشر الناس هدا علی اخی و وصی و وارثی و وعا علمی و خلیفتی علی امتی و علی یفسر کتاب الله عز و جل و الداعی الیه و العامل بما یرضاه و المحارب لاعداء الله و الموالی علی طاعته و الناهی عن معصيته خلیفة رسول الله و الامام الهادی و قاتل الناکثین و القاسطین و المارقین بامر الله تعالی تمام الحدیث و لما قضی نجه و قتله اشقی الاشقیاء من الاولین و چون گذراند وفاتش را و کشت او را بدبخت ترین بدبختان از پیشینیان و الاخرین یتبع اشقی الاولین لم یمثل و پسینیان در حالتی که پیروی حالتی که پیروی میکنند بدبخت ترین پیشینیان بجا آورده نشد امر الرسول صلی الله علیه و آله

فی الهادین فرمان به پیغمبر رحمت فرستد خدا بر او و بر آل او در راهنمایندگان

(۱۳۷)

مفاتیح البحث: الإمام الحسن بن علی العسکری علیهما السلام (۱)، الرسول الأکرم محمد بن عبد الله صلی الله علیه وآله (۲)، صلح (یوم) الحدیبیه (۱)، عمرو بن العاص (۱)، الخوارج (۱)، الحرب (۱)، القتل (۱)

صفحه ۴۹

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۳۸

بعد الهادین بعد راهنمایندگان فی مجمع البیان وقد صحت الروایة بالاسناد عن عثمان بن صهیب عن ابیه قال قال رسول الله (صلی الله علیه وآله) لعلی بن ابی طالب (علیه السلام) من اشقی الاولین قال عاقر الناقة قال صدقت فمن اشقی الاخرین قال قلت لا اعلم یا رسول الله (صلی الله علیه وآله) قال الذی یضربک علی هذا و اشار الی یافوخه و فی المهدب یافوخ بلندی پیش سر و یتبع بصیغۀ المضارع علی حکایة الحال الماضیة والامة مصره عل مقته مجتمعه علی قطیعة و امت ایستاده بودند بر دشمنی داشتن آن حضرت فراهم آمده بودند بر بریدن رحمہ واقصاء ولده الا القلیل ممن و فی خویشی او و دور کردن فرزندان او مگر اندکی از آن کسانی که وفا کرد لرعیة الحق فیهم فقتل من قتل وسبی مر رعایت حق را در آن فرزندان پس کشته شد آنکه کشته شد و اسیر گرفته شد من سبی واقصی من اقصی آنکه اسیر گرفته شد و دور گردانیده شد آنکه دور گردانیده شد الموجود فی النسخ بضم القاف من غیر الف ولا تشدید والقصو والقصا دور شدن) علی وزن فاعول لازم وانما المتعدی الاقصاء والنقصیة فاعله من القصو بوزن الفعل بفتح الفاء کرانه گوش گوسفند و اشتر ردیدن والاجود انه فاعول من قاصانی فقصوته غلبته كما فی ق تنبیها علی ان قصوهم علیهم السلام عن منازلهم التي رتبهم الله تعالی

(۱۳۸)

مفاتیح البحث: الإمام أمير المؤمنين علی بن ابی طالب علیهما السلام (۱)، الرسول الأکرم محمد بن عبد الله صلی الله علیه وآله (۲)، کتاب مجمع البیان للطبرسی (۱)، القتل (۲)

صفحه ۵۰

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۳۹

علیها انما هو بتغلیب المتغلبین من غیر حق اصلا وجرى القضاء لهم بما یرجى له حسن و روان شده قضاء از برای ایشان به سبب آنکه امید داشته میشود از برای آنچه نیکی المثوبة إذ كانت الارض لله یورثها من پاداشت در وقتی که هست زمین ملک خدا به ارث میدهد آنرا هر که را خواهد از یشاء من عباده والعاقبة للمتقین و سبحان بندگانش و عاقبت از برای پرهیزکاران است و یاد میکنیم پرورد گارمان را ربنا ان کان وعد ربنا لمفعولا به پاکی از هر بدی و زشتی به درستی که هست وعده پروردگار کرده شده ولن یخلف الله وعده وهو العزیز الحکیم و خلاف نمیکند خدا وعده اش را و حال آنکه او غالب و محکم کننده است امور را اللام فی له یحتمل التعلق بما قبله وما بعده ولعل الاول اظهر وعلیه فالأظهر انها للتعلیل كما ان الأظهر علی الاخیر انها للصلة والضمیر عاید لما والمثوبة اصلها المفعلة بضم العین بمعنى الرجوع فنقلت ضمة الواو الی ما قبلها وانما سمی الثواب ثوابا بالرجوع المحسن إلیه کالمثابة اصلها المفعلة بفتحها قال الله تعالی واذ جعلنا البيت مثابة للناس وامنا ثم انه بمعنى المفعول والمرجوع إلیه الثواب كما فی الاية ولو انهم آمنوا واتقوا المثوبة من عند الله خیر لو كانوا یعلمون واذ كانت متعلق بها ومصادقه يوم القيمة أو الرجعة ولعله الصق بالایراث ولا ولا- یخفی الفصاحة فی جری ویرجى كما فی قوله تعالی وربک فکبر وان مخففه من المتقلبة واللام هی المفارقة وجملة والعاقبة

للمتقين

(۱۳۹)

مفاتيح البحث: العزة (۱)

صفحه ۵۱

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۴۰

اعتراضیه لیان من یشاء وجمله وهو العزيز الحكيم حاليه لیان سابقتها فان الغلیه على الاشياء كلها واحكم الامور جميعا منافيا للاخلاف فعلى الاطائب من اهل بيت محمد وعلى پس بر پاکیزه تران از اهل بيت محمد وعلى صلى الله عليهما وآلهما فلييك الباكون وایاهم رحمت فرستد خدا بر هر دو و آل هر دو پس باید گریه کنجد گریه کنندگان و ایشان را فلیندب النادبون ولمثلهم فلتذرف الدموع پس زاری کنند زاری کنندگان و از برای مانند ایشان پس باید روان شود اشکها و لیصرخ الصارخون و یضج الضاجون و یعج و باید فریاد کنند فریاد کنندگان و ناله کنند ناله کنندگان و بانگ کنند العاجون الفاء للتفریح این الحسن و این الحسین بانگ کنندگان کجاست حسن و کجاست حسین و این ابناء الحسین صالح بعد صالح و صادق و کجاست پسران حسین صالحی بعد صالحی و صادق بعد صادق و این السبیل بعد السبیل این بعد صادق و کجاست راه بعد از راه کجاست الخیره بعد الخیره و این الشموس الطالعه کجاست برگزیده بعد برگزیده و کجاست آفتابهای این الاقمار المنیره این الانجم الزاهره این کجاست ماههای روشنی دهنده کجاست ستاره های روشنی دهنده و کجاست اعلام الدین وقواعد العلم علمهای دین و قواعد علم

(۱۴۰)

مفاتيح البحث: العزة (۱)

صفحه ۵۲

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۴۱

الخیر نقیض الشر تقول منه خرت یا رجل فانت خائر وخیر و خار الله لك أى اعطاک ما هو خیر لك والخیره بسكون الياء الاسم منه فاما بالفتح فهی لاسم من قولك اختاره الله كذا فى یه وانما اقمم العاطف على قوله واین الشموس الطالعه لتغییر الاسلوب السابق وانما لم یدخل فى ما بعده لانه كاللیان له كما فى السابق وسیاتی الایماء الى وجه اخر این بقیه الله التى لا تخلو من العتره کجاست باقیمانده خدا آن چنان کسی که خالی نمیشود یا نمیگذرد از خویشان نزدیک حضرت الطاهره این المعد لقطع دابر الظلمه پیغمبر پاک کند از گناهان کجاست آن کسی که آماده شده است از برای بریدن پس رو این المنتظر لاقامت الامت والعوج ستمکاران کجاست آن کسی که چشم داشته شده است از برای راست کردن برآمدگیها این المرتجى لا زاله الجور والعدوان و لجهها کجاست آن کسی که امید داشته میشود از برای بر طرف کردن ستم و دشمنی لا یبعد ان یكون ابتداء للاشارة الى الحجته (عليه السلام) و یحتمل ان یكون الابتداء قوله (عليه السلام) واین الشموس الطالعه وعلى هذا فالالاقتحام مناسب وهذا ما وعدناك واما الجمعیه فللتعظیم أو للاشارة الى آله واصحابه عليهم السلام وقوله (عليه السلام) لا تخلو من العتره الطاهره الظاهر انها على القلب أى لا تخلوا العتره الطاهره منها والدابر التابع وقطع الدابر كناية عن افنائهم فان الشئى إذ افنى لم يتبعه احد و یحتمل ان یراد به قطع تابع الظلمه السابقین فى الظلم وفى الصحاح الامت المكان المرتفع

(۱۴۱)

مفاتيح البحث: الإمام المهدي المنتظر عليه السلام (۱)، الظلم (۱)

صفحه ۵۳

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۴۲

وقال أبو عمر والامت بناك وهي التلال الصغار وقال تعالى شأنه لا ترى فيها عوجا ولا امنا أي لا انخفاض فيها ولا ارتفاع انتهى ولا يبعدان يكون الامت ارمالی تحریم ما احله الله ونحوه والعوج عكسه این المدخر كجاست آن کسی که ذخیره لتجدید الفرائض والسنة این المتخیر لا عادة کرده شده از برای تازه کردن فریضها و سنتها كجاست آن کسی که برگزیده شده است الملة والشريعة این المؤمن لا حیاء الكتاب از برای بازگردانیدن ملت و شریعت كجاست آن کسی که آرزو داشته شده از برای زنده گردانیدن قرآن و حدوده این محیی معالم الدین واهله و حدهای آن كجاست زنده کننده نشانه‌های دین و اهله لعل الملة والشريعة اسمان لامر واحد هو الدین باعتبارین فباعتبار انه زی للمؤمنین هو الملة واصله من مللت الكتاب إذا املت وباعتبار انه یسلکه هو الشريعة وكذا المذهب اما الدین فباعتبار انه یعبد الله تعالى به أو یجزی العبد به أو یزلل ویخضع به والحدود اما خصوص الحدود و یعم الاحکام این قاصم شوكة المعتدین این هادم ابناء الشرك كجاست شکننده سختی بیداد کنندگان كجاست تباہ کننده بناهای شرك والنفق این میبد اهل الفسوق والعصیان و نفاق كجاست خراب کننده اهل بیرون آمدن از فرمانبرداری و گناه کردن

(۱۴۲)

صفحه ۵۴

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۴۳

والطغیان این حاصد فروع الغی والشقاق و حد در گذشتن كجاست درنده مهرهای گمراهی و شقاق این طامس آثار الزیغ والاهواء این قاطع حبال كجاست محو کننده اثرهای میل دلها و هواها كجاست برنده دامهای الكذب والافتراء فی بعض النسخ الطغیان بدل العصیان و فی الصحاح دروغ و بر بافتن قصم الشئی كسره من غیر ان یبین و فی القاموس قصمت الشئی قصما كسرتة حتی یبین ووالشوكة شدة الباس والحدة فی السلاح وشاکی السلاح مقلوب منه و فی المصدر الاعتداد از حد در گذشتن و بیداد کردن و فیه فی فعل بالفتح بفعل بالضم الطاغوت والطغیان والطغو والطغوی از حد در گذشتن و فعل یفعل و فعل یفعل لغتان فیه و عد فی بمن معانی الفرع سر شاخ درخت والشقاق المناوأة والمخالفة کان کل منهما فی شق و یحتمل ان یكون مأخوذة المشقة و فی المصدر فی فعل بالفتح یفعل بالكسر الطمس محو کردن و فی ب الهوی کام الاهواء جمع الهواء میان آسمان و زمین الاهویة جمع والحبال جمع حباله بكسر الحاء و هی التي یصاد بها والفرق بین الكذب والافتراء ان الكذب اعم فانه ربما یكون له اصل ولكنه انقلب علی وجهه بخلاف الافتراء فانه الاختلاق كما هو الشهير من معانی هذا الباب فالكذب دروغ گفتن والافتراء دروغ بر بافتن این میبد العتاة والمردة این مستأصل اهل كجاست خراب کننده نافرمانی کنندگان و سرکشان كجاست از بیخ کننده اهل با کسی ستیدن

(۱۴۳)

مفاتیح البحث: الكذب، التکذیب (۲)

صفحه ۵۵

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۴۴

العناد والتضلیل والاحاد این معز الاولیاء یا برا برای کردن و گمراه نمودن و میل نمودن از حق بر باطل كجاست عزیز کننده دوستان ومذل الاعداء این جامع الكلم علی التقوی و خوار کننده دشمنان كجاست جمع کننده کلمه‌ها بر تقوی و پرهیزکاری این باب الله

الذی منه یؤتی این وجه الله الذی کجاست در خدا آنچنان دری که از آن آماده میشود کجاست جهت خدا آن چنان جهتی که إليه یتوجه الاولیاء این السبب المتصل بین رو میآورند به سوی خدا دوستان خدا کجاست آن رشته که متصل است میانہ الارض والسماء این صاحب یوم الفتح وناشر اهل زمین و آسمان کجاست صاحب روز فتح و آشکار کننده رایۀ الهدی این مؤلف شمل الصلاح والرضا علم هدایت کجاست الفت دهنده کسوت صلاح و رضای الهی تعالی شأنه این الطالب بذحول الانبیاء وانباء الانبیاء کجاست آن کسی که طلب کننده است به کشنده های پیغمبران و پسران پیغمبران و این الطالب بدم المقتول بکربلاء این و کجاست آن کسی که طلب کننده است به خون کشته شده در کربلا کجاست المنصور علی من اعتدای علیه وافترای آن کسی که یاری کرده شده است بر آن کسی که بیداد کرده است بر او و دروغ برافته است این المضطر الذی یجاب إذا دعی کجاست آن کسی که بیچاره گردانیده شده است آن کسی که جواب داده میشود هر گاه که بخواند

(۱۴۴)

مفاتیح البحث: مدینة کربلاء المقدسة (۲)، السب (۱)

صفحه ۵۶

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۴۵

این صدر الخلاق ذو البر والتقوی این کجاست بالاترین آفریده شدگان که این صفت دارد صاحب نیکی و پرهیزکاری کجاست ابن النبی المصطفی واین علی المرتضی پسر پیغمبر برگزیده و کجاست پسر علی پسندیده واین خدیجه الغراء واین فاطمه الزهراء و کجاست پسر خدیجه سفید رو و کجاست پسر فاطمه روشن شونده الکبری ذحول جمع ذحل کاذحال کما فی ق فيه الذحل الثار بزرگتر او طلب المكافاة بجناية ووصل ابن الطالب بسابقتها بالعطف لکمال المناسبة بينهما باعتبار ذکر ابناء الانبیاء ولعل اقحام الباء علی تضمین معنی الاخذ اسم فاعل أو الاسعاف اسم مفعول افقی المصادر الاخذ والتخاذ فراگرفتن وיעدی بالباء وبنفسه وفيه الاسعاف روا کردن حاجت وיעدی الی المفعول الثاني بالباء بابی انت وامی وبنفسی لك الفداء به پدرم فدا کرده شده باشی تو و مادرم و خودم از برای تست آن چیزی که نگاه داری به آن والحمی یابن السادة المقربین یابن النجباء وقرن ای پسر مهتران نزدیک شدگان ای پسر نیکان الاکرمین یابن الهداء المهدیین یابن الخیره گرامیتران ای پسر راهنمایندگان راه یا فتگان ای پسر برگزیده های المهدیین یابن الغطارفة الأنجبین یابن پاکیزه شدگان ای پسر مهتران نیک توان ای پسر الخضارمة المنتجبین یابن القمامة الاکرمین بخشندگان برگزیده شدگان ای پسر مهتران گرامیتران

(۱۴۵)

مفاتیح البحث: السيدة فاطمة الزهراء سلام الله عليها (۱)

صفحه ۵۷

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۴۶

یابن الاطائب المعظمین المطهرین ای پسر پاکیزه تران بزرگ کرده شدگان پاک کرده شدگان التفات من الغیبة الی الخطاب من قبل ایاک نعبد وبقوله (علیه السلام) بابی انتم وامی ای مفدی والوقاء بالكسر ما وقیت به شیئا کما فی الصحاح وفيه حمیت حمایة ای دفعتم عنه وهذا شیئی حمی علی فعل ای محظور لا یقرب واحمیت المكان جعلته حمی وفي الحديث لاحمی الا لله ولرسوله انتهى ومن المناجاة إذا مت فادفنی الی جنب (مجاور) حیدر ابا شبر اعنی به وشیر فتی لا یذوق النار من کان جاره ولا یختشی من منکر ونکیر الظمأ وانت العذب فی کل مورد واطلم فی الدنيا وانت نصیر عار علی حامی الحمی وهو فی الحمی إذا ضل فی البیداء عقال

بعیر و فی الصحاح الغطریف السید و فیه الخضرم بالکسر الكثير العطیة مشبه البحر الخضرم وهو الكثير الماء والقماقم جمع القماقم وهو السید كما فی الصحاح وقوله (علیه السلام) المطهرین تلویح الی قوله تعالی ویطهرکم تطهیرا یابن البدور المنیره یابن السرج المضیئة ای پسر ماهتابهای شب چهارده که روشن گرداننده است ای پسر چراغهای روشنی دارنده یابن الشهب الثاقبة یا بن الانجم الزاهرة ای پسر چراغهای افروخته شده ای پسر ستاره های روشن یابن السبل الواضحة یابن الاعلام اللانحة ای پسر راههای روشن ای پسر علمهای هویدا یابن العلوم الکاملة یابن السنن المشهورة ای پسر دانشهای تمام ای پسر سنتهای آشکار کرده شده (۱۴۶)

مفاتیح البحث: الجنابة (۱)

صفحه ۵۸

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السید صدر الدین الطباطبائی - الصفحة ۱۴۷

یابن المعالم الماثورة یابن المعجزات الموجودة ای پسر اثرهای روایت کرده شده ای پسر معجزه های یافته شده یابن الدلائل المشهودة ای پسر راهنماهای گواهی داده شده فی المصادر الثقب سوراخ کردن الثقوب والثقابة افروخته شدن آتش والثقوب بسیار سیرشدن اشتر و فی الصحاح والمعلم الاثر يستدل به علی الطريق و فی المصدر الشهر شمیر بر کشیدن والشهر والشهر آشکارا کردن یابن الصراط المستقیم یابن النبأ العظیم یابن ای پسر راه استقامت دار ای پسر خبر بزرگ ای پسر من هو فی ام الكتاب لدى الله علی حکیم یابن آن کسی که او در لوح محفوظ نزد خدای بزرگ مرتبه و صاحب حکم است ای پسر الایات والبینات یابن الدلائل الظاهرات یا بن نشانها و گواها ای پسر راهنماهای ظاهر و هویدا ای پسر البراهین الواضحات الباهرات یابن الحجج حجتهای روشن غالب ای پسر حجتهای رسنده البالغات یابن النعم السابغات یابن طه والمحکمات بمطلوب ای پسر نعمتهای واسعه اس پسر طه و آیات محکمات یابن یس والذاریات یابن الطور والعادیات ای پسر یس والذاریات ای پسر طور و عادیات یابن من دنی فتدلی فكان قاب قوسین أو ادنی ای پسر آن کسی که نزدیک شد پس سخت نزدیک شد پس بود ما بین دو کمان یا نزدیکتر (۱۴۷)

مفاتیح البحث: کتاب الصراط المستقیم لعلی بن یونس العاملی (۱)

صفحه ۵۹

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السید صدر الدین الطباطبائی - الصفحة ۱۴۸

دنو أو اقترابا من العلی الاعلی نودیک شدنی و نزدیک آمدمی از علی اعلی وقوله (علیه السلام) یابن من هو فی ام الكتاب اشاره الی قوله تعالی وآنه فی ام الكتاب لدینا لعلی حکیم فاعلی فی الایة امیر المؤمنین (علیه السلام) بطنا وظهرها و فی ب ام الكتاب لوح محفوظ و فی المصدر التدلی فراویخته شدن وسخت نزدیک شدن والظ انه بالمعنی الاخیر والقترابا مفعول مطلق له كما ان دنوا لدنی ولنعم ما فی قصیده مولانا حسن هر کجا در مجمع قرآن خدا را آیت است از کمال مرحمت آن خاص در شأن شماسیت لیت شعری ابن استقرت بک النوی بل ای ارض آرزو دارم دانشم را که کجا آرام داده است ترا دوری بلکه کدام زمین تقلک أو الثری ابرضوی ام غیرها ام ذی طوی برمیدارد تو را یا کدام خاک آیا در رضوی که کوهی است در مدینه یا در غیر رضوی یا در ذی طوی عزیز علی ان اری الخلق ولا تری که مضقی است در مکه گران است بر من آنکه بینم خلق را در حالتی که دیده نشوی تو ولا اسمع لك حسیسا ولا نجوی عزیز علی ان لا و نشنوم از برای تو بانگی و نه رازی گران است بر من آنکه یحیط بی دونک البلوی ولا ینالک منی ضجیح ولا شکوی لیت حرف التمنی حذف اسعه توسعا بقرینة خبره وهو مفعول مطلق وجب حذف فعله لاسناده الی

فاعله فصار بهذا الاعتبار نائبا عنه وفي ح

(۱۴۸)

مفاتيح البحث: الإمام أمير المؤمنين علي بن ابي طالب عليهما السلام (۱)، مدينة مكة المكرمة (۱)

صفحه ۶۰

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۴۹

و شعرت الشئى بالفتح اشعره شعرا أى فطنت له ومنه قولهم ليت شعرى أى ليتنى علمت قال سيويه اصله شعرة ولكنهم حذفوا الهاء كما حذفوا من قولهم ذهب بعذرها وهو أبو عذرها وفي ح والنوى الوجه الذى ينويه المسافر من قرب أو بعد وهى مؤنثه لا غير واما النوى الذى هو جمع نواة التمر فهو يذكر ويؤنث وانتوى القوم منزلا- بموضع كذا وكذا استقرت نواهم أى قاموا فيه ورضوى جبل بالمدينة وفيه وذو طوى موضع بمكة وفي ح الحس والحسيس الصوت الخفى وقال تعالى لا يسمعون حسيها وفي ب الحسيس كشته وبانك آتش وفيه والبلىة والبلوى آزمایش وفي المصدر لاحاطه گرد چیزی در آمدن و بدانستن ويعديان بالباء انتهى والملائم لما نقل من ح ان الباء فى بك للملابسة ولكن التعديء محتمل قريب وبل اشعار بانه (عليه السلام) لم يمل الى الارض بل الارض مالت واشتقت لتتشرف به كالجودى بالنسبة الى سفينة نوح (عليه السلام) والباء فى برضوى بمعنى فى أى سكنت والملائم لما سبق استقرت أو استقلت وقوله (عليه السلام) ولا ترى ولا اسمع الظاهر انه جملة حالية كقوله ويخذلك فيما سيناتى واما قوله (عليه السلام) ولا ينالك فيحتمل العطف احتمالا غير بعيد وان كان الانسب فيه ايضا موافقة القرينتين والمعنى ح انه ان لم اضح احاط بي لبلاء وفي نهج البلاغة فى صفات المؤمن ان استصعبت عليه نفسه فيما يكره لم يعطها سؤلها فيما تحب فافهم بنفسى انت من مغيب لم يخل منا به نفس من فدا کرده شده باشى تو از غايب کرده شده ها که خالى نشده است از ما يعنى در میان

(۱۴۹)

مفاتيح البحث: مدينة مكة المكرمة (۱)، كتاب نهج البلاغة (۱)، الإحساس، الحسيس (۱)، الكراهية، المكروه (۱)، التمر (۱)، السفينة

(۱)

صفحه ۶۱

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۵۰

بنفسى انت من نازح ينزح عنا ماست يا رد فكر ماست به نفس من فدا کرده شده باشى تو از دور شونده که در وى میکند از ما بنفسى انت امنیة شائق يتمنى من مؤمن به نفس من فدا کرده شده باشى تو آرزوى خواهشمند که آرزو خواهد از مؤمن ومؤمنه ذکرا فحنا فى المصدر التزوح دور شدن و مؤمنه که یاد کنند پس آرزومند شوند التزح آب کشیدن از چاه فهو كالرجوع والرجع والنشور والنشر والكشوف والكشف وفي ح وتزحت الدار نزوحا بعدت وبلد نازح وقوم منازيح وقد نزح بفلان إذا بعد عن دياره غيبه بعيده انتهى ومن بيانية كما فى عزم من قائل بنفسى انت من عقيد عز لا يسامى بنتس من فدا کرده شده باشى تو از بسته شده گرامى که نبرد کرده نمیشود بنفسى انت من ائيل مجد لا يجارى بنفس من فدا کرده شده باشى تو از محکم بزرگواری که کسی با او نمیرود بنفسى انت من تلاد نعم لا تضاهى پس نفس من فدا کرده شده باشى تو از قدیمیهای نعمتهائی که مانند کسی کرده بنفسى انت من نصيف شرف لا- يساوى نمیشود بنفس من فدا کرده شده باشى تو از مقنعه بزرگی که برابری کرده نمیشود فى ح العقيد والمعاهد وفلان عقيد الكرام وعقيد اللوم وفى المصدر المسامات با کسی به بزرگی نبرد کردن وفيه المجاراة والجراء با کسی رفتن و با کسی چیزی وارندن وفى ب الاثيل محکم وفيه التلید آنکه او

(۱۵۰)

مفاتیح البحث: الکرّم، الکرّامة (۱)

صفحه ۰۶۲

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۵۱

را به خردگی به بلاد اسلام آوردند و مال کهن والتلاد جمع وفي المصدر المضاهات والضهاء مانندگی کردن با کسی یا با چیزی وفي ح المضاهاة المشاکلة يهمز ولا يهمز يق ضاهيت وقرى يضا هئون قول الذين كفروا وهذا ضههى هذا أى شبيهه وفي ن النصيف الخمار والعمامة وكل ما غطى الرأس من البرد ماله لو نان مكيال وفي ب معجر الى متى اجأر فيك تا كى فرياد كنيم در خواهش تو يا مولاي والى متى و اى خطاب اصف اى آقاي من و تا كى و كدام سخن وصف كنم فيك واى نحوى عزيز على ان اجاب در شأن تو و در كدام رازى گران است بر من آنكه جواب داده شوم دونك واناغى عزيز على ان ابكيك در وراء تو و شوخى كرده شوم گران است بر من آنكه گريه كنم بر تو ويخذلك الورى عزيز على ان يجرى و حال آنكه واگذارند تو را مردمان گران است بر من آنكه روان شود عليك دونهم ما جرى فى للسببية والمضاف أى غيبتك بر تو نه ايشان آنچه روان شده أو محبتك أو شوق لقائك أو سيلك أو غمك أو شأنك مطلقا كما فيما سيأتى فتدبر والمناغاة المغازلة والمرأة تناغى الصبى أى تكلمه بما يعجبه ويسره كما فى ح وفى المصدر المغازلة با دوست بازى كردن والظ ان جملة

(۱۵۱)

صفحه ۰۶۳

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۵۲

ويخذلك حاليه وقد تقدم هل من معين فاطيل ايا از يارى كننده هست پس دراز كنم معه العويل والبكاء هل من جزوع فاساعد با او ناله و گريه را آيا از بسيار شكيبائى هست پس يارى دهم شكيبائى جزعه إذا خلا هل قذيت عين فتسعداها او را هر گاه تنها شود يا صاحب خاشاك شده چشمى هست پس نيكبخت بگرداندان عيني على القذى هل اليك يا بن احمد چشم را چشم من بر خاشاك دارى آيا بسوى تو اى پسر احمد سبيل فتلقى هل يتصل يومنا منك راهى هست پس ديده شوى آيا پيوسته ميشود روز ما از تو بغده فنحظى فى المصدر فى فعل بالكسر القذى خاشه در چشم به فرداش پس بهره مند شويم افتادن وفيه الحظر والحظة دولتى شدن زن از شوهر و ظفر يافتن به چیزی وحظى فلان عند الامير بهره مند شدن وفيه المساعدة كسى را يارى دادن وفيه الاسعاد نيك بخت كردن والعويل بفتح العين وكسر الواو اسم للعويل والاعوال أى باواز گريستن كما فى المصدر كالحويل للاحتيال و فى ق واعول رفع صوته بالبكاء والصياح كعول والاسم العول والعولة والعويل وفى المعلقة لامرى القيس هنالك ابلى هل صديق موافق فيجرى دمعا أو يكون معولا وفى نهج البلاغة اغض على القذى والال لم ترض

(۱۵۲)

مفاتيح البحث: كتاب نهج البلاغة (۱)

صفحه ۰۶۴

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۵۳

ابدا وفى الصحاح البكاء يمد ويقصر فإذا مددت اردت الصوت الذى يكون مع البكاء وإذا قصرت اردت الدموع وخروجها انتهى

والملائم للمقام لفظا ومعنى القصر واليوم كناية عن مدة مصيبة الغيبة كما ان الغد عبارة عن اوان رفعها وفي الحديث الدهر يومان يوم لك يوم عليك والظرف متعلق باليوم باعتبار معناه كما فى اسد على وفى الحروب نعامه متى نزد مناهلك الوريه فنروى متى كى بيائيم آبشخوارهاى ترا كه سيراب است پس سيراب شويم كى ننتفع من عذب مائك فقد طال الصدى سودمند شويم از شيرين آب تو پس به تحقيق كه دراز كشيد تشنگى متى نغاديك ونرا وحك فتقر عيوننا متى كى با هم بامداد كنيم ترا و شبانگاه كنيم ترا پس روشن شود چشمهاى ما ترانا ونريك وقد نشرت لواء النصر بينى تو ما را و بينيم ما تو را و در حالتى كه آشكارا کرده علم نصرت را ترى (۱) اترانا نحف بك وانت تأم الملا- و در حالتى كه نموده شوى ايامى بينى تو ما را كه ميپيچيم به تو در حالتى كه آهنگ ميكنى قد ملات الارض عدلا واذقت اعدائك جماعت را و در حالتى كه پر كردى تو زمين را عدل و چشانيده دشمنان را هوانا وعقابا و ابرت العتاة وجحده خوارى و عقاب و هلاك گردانى سرکشان را و منكرين الحق وقطعت دابر المتكبرين واجتشت حق را و بريده پس رو کردن کشان را و بر کنده

(۱) وترى من الارائه فلا تكرر (منه)

(۱۵۳)

مفاتيح البحث: البكاء (۲)

صفحه ۶۵

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۵۴

اصول الظالمين ونحن نقول الحمد لله بيخهاى ستمكاران را در حالتى كه ما ميگوئيم شكر مر خداى را كه رب العالمين الهمزة للتقرير والمناسب ان يقرأ الملا- مقصورا مقلوبه پروردگار عالميان است الفها من الهمزة فان الملاء كجبل بمعنى الجماعة ولا يوقف على عدد والجتثا از بن بر كندن كما فى المصدر ففيه التجريد وفى قوله (عليه السلام) ونحن نقول الاية وقيل الحمد لله رب اللهم انت كشاف الكرب خداوندا تو بسيار و ابرنده غم والبلوى واليك استعدى فعندك العدو و بلائى و به سوى تو يارى ميگوئيم پس نزد تو است يارى وانت رب الاخره والاولى فاغث يا غياث در حالتى كه پروردگار روز بازيسين و دنيائى پس به فريادرس اى فريادرس المستغيثين عبيدك المبتلى واره سيده فريادرس خواهندگان بندگان آزموده شده را و بنماى او را مهترش يا شديد القوى وازل عنه به الاسى اى سخت قوتها و بر طرف كن از او اندوه والجوى وبرد غليله يا من على العرش و سوزش را و سرد گردان تشنگى او را اى آن كسى كه بر عرش استوى ومن إليه الرجعى والمنتهى قرار گرفته است يعنى نسبت به همه چيز مساوى است به قرب مكاني از آن جهت

(۱۵۴)

مفاتيح البحث: الظلم (۱)، الجماعة (۱)

صفحه ۶۶

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۵۵

اللهم ونحن عبيدك كه مكاني ندارد و آن كسى كه بسوى اوست نه ديگرى بازگشت و رسيدن يا محل رسيدن خداوندا ما و بندگان توئيم كه النائقون الى وليك المذكر بك وبنبيك خواهشمنداند به سوى دوست تو و ياد آورنده است به تو و به پيغمبر تو خلقتة لنا عصمة وملاذوا واقمته لنا قواما افريده تو را از براى ما دست آويز و پناهى و بر پاى کرده او را از براى ما آنكه برپا ومعازا وجعلته للمؤمنين منا اماما شود و پناهى و گردانيده تو او را از براى جماعت مؤمنين از ما پيشوا وبلغه منا تحية وسلاما وزدنا بذلك و

برسان او را از ما درود و سلام و زیاد گردان ما را به سبب درود یا رب اکراماً واجعل مستقره لنا مستقراً و سلام ای پروردگار و مقاماً و اتمم لنا نعمتک بتقدیمک ایاه امامنا حتی توردنا جنانک و مرافقه الشهداء من خلصائک با همراهی بودن گواهان از پاکان تو می‌ح تاقت نفسی الی الشئی توقاً و تقاناً اى اشتاقت انتهى و یحتمل ان یكون مخفف اشتاقت ففی ح اتقی یتقی اصله أو تقی علی افتعل قلبت الواو یاء لانکسار ما قبلها وابدلت منها التاء وادغمت فلما کثر استعماله

(۱۵۵)

مفاتیح البحث: الشهادة (۱)

صفحه ۶۷

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۵۶

علی لفظ افتعال توهموا ان الباء من نفس الحرف فقالوا اتقی یتقی بفتح التاء مخففه ثم لم یجدوا فی کلامهم مثلاً یلحقونه به فقالوا تقی یتقی مثل قضی یقضی قوله (علیه السلام) و جنانک فی بعض النسخ بفتح الجیم والتاء و قوله (علیه السلام) و مرافقه الشهداء الظ انه مفعول معه لثور دو خلصاء جمع خالص ک شعراء جمع شاعر ولنا متعلق باجعل أو بمستقر اللهم صل علی خداوندا رحمت فرست حجتک و ولی امرک وصل علی جده بر برهانت و متولی کارت و رحمت فرست بر جدش محمد رسولک السید الاکبر وصل علی محمد فرستاده شده تو مهتر بزرگتر و رحمت فرست بر ابيه سيد القصور وحامل اللواء فی المحشر پدرش مهتر شیران یعنی شجاعان و بردارنده علم در زمان مجشر وساقی اولیائه من نهر الکوثر والامیر و آب دهنده دوستانش از نهر کوثر و فرمان بر علی سائر البشر الذی من امن به فقد بر همه آدمیان آنچنان کسی که هر کس ایمان آورده است به او پس به تحقیق ظفر و شکر ومن لم یؤمن به فقد که ظفر بافته است و شکر کرده است و هر کس ایمان نیاورده است به او پس به تحقیق خطر و کفر فی ص الحجته البرهان حاجه فحجد اى غلبه که هلاک شده و کافر شده یعنی ناسپاسی کرده است بالحجه و فی ب الامر فرمان و کار الامور جمع و فی ح والقصور

(۱۵۶)

مفاتیح البحث: الصلاة (۱)، الشهادة (۱)

صفحه ۶۸

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۵۷

الاسد قوله تعالى فرت من قسورة وفيه لغة سير وسائر الناس جميعهم انتهى وقد يق انه بمعنى الباقي من السور مهموزا وهو الذى يلائم كثيرا من موارد الاستعمال والمقام يحتملها وظفر بكسر الفاء ولم يوجد فى بعض النسخ وشكر صلى الله عليه وآله وعلى اخيه رحمت فرستد خدا بر او یعنی علی و آل او و بر برادر او یعنی حضرت پیغمبر و علی نجلهما الميامین الغرر ما طلعت و برادرزادگان آن دو که خجستگان سفید پیشانی اند ما دامی که بر آید شمس وما اضاء قمر و علی جدته آفتاب و مادامی که روشن باشد ماه و رحمت فرستد بر جده آن حجت و ولی امر الصدیقه الكبرى فاطمه الزهراء بنت که این صفت دارد که سخت راستگو بزرگترین فاطمه که این صفت دارد که روشن است محمد المصطفی و علی من اصطفیت دختر محمد برگزیده و بر آن کسی که برگزیده من آباءه البررة و علیه افضل و اکمل از پدران آن حجت که نیکوکارانند و بر آن حجت بهترین و کامل ترین و اتم و اودوم و اکثر و او فر ما صلیت و تمام ترین و دائم ترین و بیشترین و وافرترین رحمتهاست علی احد من اصفیائک و خیر تک من بر یکی یعنی هر یکی از دوستانت برگزیده ات و برگزیده هایت از خلقک وصل علیه صلوة لا غایه لعددها آفریده شد گانت و رحمت فرست بر این حجت رحمتی که

نه پایانی باشد مر شماره اش را

(۱۵۷)

مفاتیح البحث: السیده فاطمة الزهراء سلام الله علیها (۱)

صفحه ۶۹۰

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۵۸

ولا- نهائیه لمدها ولا- نفاذ لامدها و نه انتهائی مر مددش را و نه برطرف شدن مر آخرش را فی ب النجل زه و زاد و آب زه و فیه المیون خجسته و فیه الصدیق سخت راستگوی انتهى و یعلم من تتبع استعمال اللفظ فی الایات منها قوله تعالی و امه صدیقۀ و کذا الخبران مصداقها المعصوم و الامد الغایۀ ففی المعلقات للنابعۀ فمن اطاعک فانفعه (۱) بطاعته * كما اطاعک و اد الله علی الرشد * و من عصاک فعاقبه معاقبۀ * تنهی الظلوم و لا تقعد علی ضمد * الا لمثلک أو من انت سابقه * سبق الجواد إذا استولى علی الامد * قوله ع و علی اخیه عطف علی علیه و الاخ محمد (صلی الله علیه و آله) فضمیر علیه و علی اخیه عائد الی علی (علیه السلام) و قوله (علیه السلام) ما طلعت شمس متعلق بصلی و تتمیم له به و قوله (علیه السلام) و علی جدته عطف علی علی باعادة الخافض کقوله (علیه السلام) و علی من اصطفیت و کذا قوله (علیه السلام) و علیه و انما اعید لطول الکلام و لانه المطلب المهم فی المقام و افضل مفعول مطلق نوعی لصلی و الظ ان ما فی ما صلیت مصدریۀ اللهم و اقم خداوندا و بیا دار به الحق و ادحض به الباطل و ادل به به سبب او حق را و باطل کن و بشکن به سبب او باطل را و دولت بده به سبب و لیائک و اذلل به اعدائک و صل اللهم او دوستانت را و خوار کن به سبب او دشمنانت را و به پیوند خداوندا بیننا و بینه وصلۀ تؤدي الی مرافقۀ میانه ما و میانه او پیوندی که بکشاند به همراهی کردن

۱ - فاعقبه * كما اطاعک و اد الله علی الرشد کذا فی المعلقات المطبوع صح

(۱۵۸)

مفاتیح البحث: الإمام أمير المؤمنين علی بن ابی طالب علیهما السلام (۱)، الرسول الأکرم محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله و آله (۱)، الباطل، الإبطال (۱)، الجود (۱)

صفحه ۷۰۰

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۵۹

سلفه و اجعلنا ممن يأخذ بحجزتهم پیشینیانش و بگردان ما را از آنکس که فرا میگیرد در حالتی که میچسبد و یمکت فی ظلهم و اعنا علی تأدیۀ به کمر ایشان و دست داده میشود یا جای داده میشود در سایه ایشان و یاری کن مرا بر گذاردن حقوقه إلیه و الاجتهاد فی طاعته و الاجتناب حقهای او و بسوی او و کوشیدن در فرمانبرداری او و به یک سو شدن عن معصيته فی المصدر الادحاض باطل کردن حجت و بخیزانیدن از نافرمانی او و فیه الادالت دولت دادن و الغلبۀ ایضا و فیه والوصل و الصلۀ پیوستن و پیوسته شدن و فیه ب الوصله یوند و فیه السلف و السلیف پیشینیان الاسلاف و السلوف جمع و فیه الحجزۀ انجا که باز گردانند از کنار ازار و جای کمر و فیه المصدر التمكن دست دادن و جای دادن و فیه الاجتهاد بکوشیدن هذا إذا لم یعد و رأى صواب جستن و هذا معتد و فیه الاجتناب به یک سو شدن و جنب شدن و سلفه الانبیاء و الاولیاء علیهم السلام فانه من شجرة مبارکۀ آل ابراهیم المحسودین كما فی القرآن العزیز و انما اضیفت المرافقۀ الی سلفه دونه (علیه السلام) لانه بعد الخلق كما فی الحدیث الخلیفۀ قبل الخلق و مع الخلق و المقصود کونهم رفیقا حین یموت و ان قصد بها الموافقۀ فی الطاعة فوجه الاضافة تعمیم الدعاء لمن فی غیبتۀ (علیه السلام) بل لمن فی زمن المولی الصادق (علیه السلام) و هنالك وجه ثالث هو ان من السلف خاتم النبیین و امیر المؤمنین علیهما السلام فالاضافة تنبیه علی انه (علیه السلام) فی

هذه الدرجة

(۱۵۹)

مفاتیح البحث: الإمام أمير المؤمنين علي بن ابي طالب عليهما السلام (۱)، الإمام جعفر بن محمد الصادق عليهما السلام (۱)، القرآن الكريم (۱)، الموت (۱)، العزة (۱)، الجنابة (۱)

صفحه ۷۱

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۶۰

العالمية التي لهماع وامن علينا برضاه وهب لنا ومنت بگذار بر ما خشنودی او و ببخش از برای ما رأفه من رحمته ودعائه وخيره ما ننال مهربان شدن او را و بخشودن او را و دعاء او و خیر او را بقدری که به سعه من رحمتک وفوزا عندک واجعل که دریابیم به آن قدر گشادگی از رحمت تو و رستگاری را نزد تو و بگردان صلواتنا به مقبوله وذنوبنا به مغفوره نمازهای ما را به سبب او قبول کرده شده و گناهان ما را به سبب او آمرزیده شده ودعائنا به مستجابا قوله (عليه السلام) ما ننال أي قدرا وفي بعض و دعای ما را به سبب او جواب داده شده النسخ موضع صلواتنا صلواتنا واجعل ارزاقنا به مبسوطه و بگردان روزیهای ما را به سبب او گسترانیده شده وهمونا به مكفيه وحوائجنا به مقضيه و اندوه های ما را به سبب او كفايت کرده شده و حاجتهای ما را بسبب او برآورده شده واقبل الينا بوجهك الكريم واقبل تقربنا و روی آور به سوی ما به ذات که کریم است و بپذیر نزدیکی جستن ما را اليك وانظر الينا بوجهك نظره رحيمه نستكمل به سوی تو و نگاه کن بسوی ما نگاه کردن بخشنده که تمام کنی به سبب آن بها الكرامه عندك ثم لا تصرفها عنا بجدك نگاه گرامی بودن ما را نزد تو پس نگردانی آن نگاه را از ما بسبب بخشایشت واسقنا من حوض جده صلی الله عليه و سیراب گردان ما را از حوض جدش رحمت فرستد خدا بر او

(۱۶۰)

مفاتیح البحث: الوسعة (۱)، الكرم، الكرامة (۳)

صفحه ۷۲

شرح دعاء ندبه (فارسی) - السيد صدر الدين الطباطبائي - الصفحة ۱۶۱

وآله بكاسه وبيده ریا رویا هنيئا وآل او به ظرف او و به دستش سیرابی سیراب گوارا سائغا لا ظمأ بعده یا ارحم الراحمين گذران در گلو که تشنگی نباشد پس آن ای بخشاینده ترین بخشاینده گان بر ما و مهربان ترین مهربانان قوله (عليه السلام) لا تصرفها بالرفع عطا علی نستكمل فیصير العبارة بمنزلة وانظر الينا نظره رحيمه لا- تصرفها والظ ان المرجع النظرة لا الكرامة وفي ص ورويت من الماء بالكسر اروي ریا ورویا وروی ایضا مثل رضی وارتویت و ترویت كله بمعنى الی قوله والروى ایضا سحابه عظيمة القطر شديدة الوقوع مثل السقی یق شربت شربا رویا و فی المصدر فی فعل بالفتح یفعل بالكسر الی آب کشیدن از بهر کسی وهو متعد وفي فعل بالكسر الی والروى كالرضی سیراب شدن تم

(۱۶۱)

مفاتیح البحث: الكرم، الكرامة (۱)

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتبع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتبع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

